

دیپلماسی عمومی نوین و سیاست خارجی اسرائیل

نویسنده: ایطان گیلبوا^۱

مترجم: رضا محمودی فقیهی

مدخل

آشنایی با نگاه کارشناسان اسرائیلی یکی از ابزارهای لازم برای شناخت سیاست خارجی این رژیم است. انعکاس دیدگاه این کارشناسان را می‌توان در مقالاتی که با نگاه اسرائیلی به مسائل سیاست خارجی نوشته شده، به خوبی مشاهده کرد. چنین مقالاتی با پیش‌فرض‌ها یا بطور کلی با مقدمات خاصی نوشته شده‌اند که طبیعتاً آن مقدمات و نتایج پژوهش آنها مورد پذیرش فصلنامه مطالعات فلسطین نیست اما به نظر می‌رسد برای شناخت سیاست خارجی اسرائیل، انتشار چنین مقالاتی برای تصمیم‌گیرندگان و کارشناسان جمهوری اسلامی ایران ضروری است. مقاله دیپلماسی عمومی نوین و سیاست خارجی با این هدف انتخاب و ترجمه شده است. لازم به ذکر است که در این مقاله، نویسنده پس از تمایز قائل شدن میان دیپلماسی عمومی کلاسیک و نوین، مهمترین شاخص‌های دیپلماسی عمومی نوین را استخراج و پیشنهادهای لازم را به مقامات رژیم صهیونیستی برای استفاده از این ابزار در سیاست خارجی این رژیم داده است.

واژگان کلیدی: دیپلماسی عمومی نوین، سازمانهای غیردولتی، سازمانهای بین‌المللی، قدرت نرم، افکار عمومی

1. Eytan Gilboa, public Diplomacy: The Missing Component in Israel's Foreign Policy, Israel Affairs, vol.12, No.4, October 2006.pp.715-747.



مقدمه

وقایع سالهای ۱۹۶۹ - ۱۹۴۸، مذاکرات سازنده بین اعراب و اسرائیل یعنی صلح اسرائیل و مصر در سالهای ۱۹۷۹-۱۹۷۷ و نیز مذاکرات اسلو در سالهای ۱۹۹۳-۱۹۹۴ را در پی داشت، پس از آن اسرائیل شهرت خارجی خوبی بدست آورد. جنگ خلیج(فارس) نیز محبوبیت بیشتر اسرائیل در جامعه بین‌الملل را سبب شد زیرا اسرائیل در برابر حمله موشک‌های عراق به شهرهای اصلی آن دست به اقدام مشابهی نزد، اما از زمان انتفاضه دوم یا جنگ بین فلسطین و اسرائیل در سپتامبر ۲۰۰۰ چهره اسرائیل از نظر جامعه بین‌الملل خراب شد. اسرائیل تنها ملتی است که درباره حق حیات آن در دنیا اختلاف نظر وجود دارد و دولتهای محدودی بیت المقدس را به عنوان پایتخت قدیمی اسرائیل می‌پذیرند. رهبران اسرائیل معمولاً با نازیهای آلمان مقایسه می‌شوند و عکس‌العملهای آن در برابر فلسطین به سیاست‌های نازی و تبعیض‌نژادی در آفریقای جنوبی تشبیه شده است. هدف اصلی این نوع برنامه‌ها ایجاد چهره‌ای پلید و غیرانسانی از اسرائیل است.

سازمان ملل و اکثر سازمانهای بین‌المللی در حق اسرائیل تبعیض قائل شده و به سیاست‌های آن حمله کرده‌اند. سازمانهای غیردولتی همچون ناظر حقوق بشر و عفو بین‌الملل نیز همواره از اسرائیل انتقاد کرده‌اند اما هیچ توجهی به تخلفات و نقض حقوق بشر در جامعه عرب و فلسطینی‌ها ندارند. (۱) دولتها، ملت‌ها و سازمانهای بین‌المللی روابط علمی و تجاری خود را با اسرائیل قطع کرده و دست به اقدام‌هایی علیه آن زده‌اند. دشمنان، مخالفان و منتقدان اسرائیل که گاهی حتی یهودی یا اسرائیلی‌اند، تلاش می‌کنند اسرائیل را به عنوان ناقض حقوق بشر، قطعنامه‌های سازمان ملل و قوانین بین‌المللی معرفی کنند. تمام اقدام‌های اسرائیل در فلسطین بسیار خشن به حساب می‌آید. همه سیاستمداران، سیاستگذاران سازمانهای غیردولتی، خبرنگاران و اندیشمندان از ادبیات اعراب و فلسطینی‌ها برای تشریح ابعاد بحرانی مناقشه استفاده می‌کنند. پوشش خبری جهان اسلام و غرب درباره جنگ اسرائیل- فلسطین، علیه یهودیان است و افکار عمومی دنیا، مگر در آمریکا، از فلسطین جانبداری می‌کند.

با توجه به وضعیت مخوف موجود، اسرائیل باید به دنبال دیپلماسی عمومی^۱ باشد اما هنوز موفق به تغییر نگرش دنیا نسبت به خود نشده است. علت اصلی این امر، عدم آگاهی و درک درست از نقش‌اساسی دیپلماسی عمومی در روابط بین‌المللی معاصر است. در عصر اطلاعات، وجهه ملی دارایی بسیار ارزشمندی است و قدرت نرم، مهمترین ابزار سیاست خارجی به حساب می‌آید. برقراری ارتباط، دانش و تعامل عاقلانه،

شگردهای اساسی روابط بین‌المللی محسوب می‌شوند نه اقدام‌های نظامی. حتی آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت در جنگ عراق، به این نکته پی برده است. قضاوت مردم دنیا درباره دولت‌ها براساس وجهه ملی آنهاست. بنابراین، داشتن یک راهبرد جامع در درگیری‌های بین‌المللی نیازمند هماهنگی و استفاده از ۳ عامل قدرت، دیپلماسی و ارتباطات است. حتی ارتباطات می‌تواند به عنوان عامل اصلی به حساب آید.

غسان خطیب^۱ معتقد است که هم فلسطینیها و هم اسرائیلیها به دنبال اثبات حقانیت خویش و جلب حمایت دنیا از خود و مقصر دانستن طرف مخالف‌اند.^۲ کریس گالووی^۳ نیز همین نظر را بیان کرده و معتقد است به سختی می‌توان برنده جنگ بر سر وجهه (بین‌المللی) را تعیین کرد.^۴ نشات اقاتاش^۵ می‌گوید: مقام‌های فلسطین و متخصصان حوزه رسانه‌ها فکر می‌کنند، اگرچه مقام‌های فلسطینی از هیچ طرحی مربوط به حوزه روابط عمومی استفاده نکرده‌اند اما برنده جنگ روابط عمومی‌ها آنها خواهند بود^۶ و ران شلیفر^۷ چنین نتیجه‌گیری می‌کند که شکست اسرائیل از فلسطین در هسبارا^۸ به ویژه در هر زمینه‌ای که به مناقشه اسرائیل و فلسطین ربط دارد، اجتناب ناپذیر است.^۹

باری روبین^{۱۰} نیز معتقد است که اسرائیل نمی‌تواند در جنگ اطلاعات پیروز شود زیرا اروپا، اعراب و سایر جوامع هیچ حمایتی از آن نخواهند کرد.^{۱۱} در ۲ دهه اخیر همزمان با اولین شورشها علیه اسرائیل در سال ۱۹۸۷ فلسطینی‌ها از ۳ عامل اساسی راهبردی جدید به نحو احسن استفاده کردند. فلسطین، هم در میدان جنگ، هم در راهروهای دیپلماسی بین‌المللی و هم در رسانه‌هایی مثل تلویزیون و اینترنت دست به مبارزه علیه اسرائیل زده است، اما علی‌رغم چنین اقدام‌هایی از سوی فلسطینی‌ها، اسرائیل از این ۳ فاکتور اساسی راهبردی جدی، استفاده خاصی نکرده است. اگرچه اهمیت دیپلماسی عمومی برای اسرائیل به طور کامل روشن است ولی در این زمینه، مطالعات کمی صورت گرفته یا اطلاعات بیشتر جنبه تاریخی داشته و اکثر آنها به زبان عبری نوشته شده‌اند.^{۱۲} به همین علت می‌توان گفت هیچ تحقیق نظری معاصر در این زمینه صورت نگرفته است.

1. Ghassan Khatib
2. Chris Galloway
3. Nashat Aqtash
4. Ron Schleifer
5. Hasbara
6. Barry Rubin

این مقاله از ۲ روش برای دیپلماسی عمومی استفاده می‌کند که عبارتند از: دیپلماسی عمومی نوین^۱ (NPD) و شاخص موقعیت جهانی (WSI). دیپلماسی عمومی نوین در پی معرفی تحقیقات و بررسی‌های جدید برای هماهنگ کردن دیپلماسی عمومی با عصر اطلاعات است و شاخص موقعیت جهانی، وظیفه ارزشیابی موقعیت و جایگاه عاملان دولتی و غیردولتی در عرصه بین‌المللی (۸) و متغیرهایی نظیر تعیین وضعیت بین‌المللی، پوشش خبری و اذهان عمومی را برعهده دارد. برای ارزیابی تلاشهای دیپلماسی عمومی موجود و تعیین میزان اقدام‌های صورت گرفته برای دستیابی به اهداف مورد نظر، استفاده منظم از WSI ضروری است.

این مقاله با مقدمه‌ای کوتاه به NPD و WSI می‌پردازد و بخش بعدی آن موقعیت اسرائیل در زمینه مباحثی از قبیل حق حیات اسرائیل در سازمان ملل و «تبرد واژگان» رامورد بررسی قرار می‌دهد. بخش سوم، اطلاعاتی را درباره پوشش خبری اسرائیل در غرب و گرایش اذهان عمومی ارائه می‌کند و آخرین بخش، دیپلماسی عمومی اسرائیل، علل شکست سیاستهای گذشته، تحلیل آنها و ارائه چند راهکار عملی را در بر می‌گیرد. این مقاله فاصله زیاد بین عوامل تهدیدکننده امنیت و رفاه ملی اسرائیل به سبب وجهه نه چندان خوب بین‌المللی آن و راه حل‌های بکار گرفته شده در این زمینه را نشان می‌دهد. اسرائیل باید دیپلماسی عمومی مناسبی را به کار گیرد و این مقاله در این مورد پیشنهادهایی را ارائه می‌دهد.

الف) دیپلماسی عمومی نوین

دیپلماسی عمومی با شروع جنگ سرد پا به عرصه فعالیت گذاشت. با توجه به وجود سلاحهای مخرب هسته‌ای پیشرفته در دنیا، آمریکا و روسیه به عنوان ۲ ابرقدرت بزرگ از سلاح، اطلاعات و مذاکرات در نبرد راهبردی و عقیدتی استفاده می‌کنند. از نظر سیاست گزاران، دیپلماسی عمومی همان جنگ قلب‌ها و ذهن‌ها است. آنها معتقدند دیپلماسی عمومی به معنی ارتباط مستقیم با مردم جهان به منظور اثرگذاری بر افکار آنها و در نهایت تحت تأثیر قرار دادن دولتها است. (۹) در اکثر موارد هدف دیپلماسی عمومی ارائه جلوه‌ای جذاب از سیاستها، اقدامات و سیستم‌های سیاسی - اقتصادی است. (۱۰) گاهی هدف دیپلماسی عمومی، ایجاد فشارهای داخلی برای تغییر سیاست دولتهای مخالف و در موارد نادری، هدف آن، تغییر رژیم یک کشور مانند سیاست آمریکا علیه کوبا بوده است.

دپلماسی عمومی کلاسیک از شیوه‌های مختلفی مانند رسانه‌های بین‌المللی، مبادلات علمی- فرهنگی بین دانشجویان، محققین، هنرمندان و اندیشمندان، شرکت در جشنواره‌ها و نمایشگاهها، ایجاد مراکز فرهنگی، آموزش زبان، راه‌اندازی مسابقه‌های دوستانه و انجمن‌های تجاری استفاده می‌کند. نقش رسانه‌های ارتباط جمعی در افکار عمومی بسیار مستقیم و مؤثر است، در حالی که فعالیتهای فرهنگی روی طبقه نخبگان اثر می‌گذارد و این طبقه می‌تواند افکار عمومی را تغییر دهد. به عبارت دیگر می‌توان گفت رسانه‌های ارتباط جمعی به مسائل جاری می‌پردازند و شیوه‌های فرهنگی به دیدگاههای دراز مدت ملت‌ها و جوامع توجه دارند.

در اوایل این قرن، اندیشمندان و کارشناسان بین دپلماسی عمومی و دپلماسی عمومی نوین تمایز قائل شدند. شیوه نوین براساس این فرضیه عمل می‌کند که تغییرات وسیع جهانی، انقلاب‌های سیاسی و روابط بین الملل، جریان دپلماسی و نیز دپلماسی عمومی را تغییر داده‌اند. از آنجا که افراد بیشتری گرایش به شرکت در جریانهای سیاسی پیدا کرده‌اند بسیاری از جوامع از حکومت‌های استبدادی به حکومت‌های دموکراسی تبدیل شده‌اند. انقلاب به وجود آمده در ارتباطات و فناوری اطلاعات، افزایش میزان تأثیر رسانه‌ها حتی در دور افتاده ترین نقاط دنیا و ظهور اینترنت، به جهانی شدن ارتباطات الکترونیکی، افزایش تعداد شبکه‌ها و مخاطبان رسانه‌ها منجر شده است. چنین تغییرات تکان‌دهنده‌ای، حتی شکل قدرت را در سیاست‌های امروزی عوض کرده است و نه تنها قدرت نظامی و اقتصادی بلکه جریان کنترل اطلاعات، ارزشها و وجهه یک ملت یا رهبر نیز می‌تواند تعیین کننده وضعیت یک جامعه از دیدگاه بین‌المللی باشد.

ریانان ویکرز^۱ تفاوت دپلماسی عمومی با دپلماسی عمومی نوین را مانند تفاوت آشکار بین فعالیت‌های اطلاعاتی داخلی با فعالیت‌های اطلاعاتی بین‌المللی، دپلماسی سنتی با عمومی و همچنین تفاوت بین دپلماسی فرهنگی و تجاری با مدیریت خبری می‌داند. (۱۱) ولی از آنجا که چنین تعریفی، گنج‌کننده و محدود است می‌توان *NPD* را مشتمل بر ارکان زیر دانست: عاملان دولتی و غیردولتی مانند *NGO*ها از *NPD* پیروی می‌کنند. *NPD* «قدرت نرم»^۲، ارتباط دوجانبه، دپلماسی عمومی راهبردی، مدیریت اطلاعات، ایجاد نشان ملی^۳ و وجهه الکترونیکی^۴ استوار است و بالاخره *NPD* به درونی کردن سیاست خارجی پرداخته و با مسائل کوتاه مدت و بلند مدت سر و کار دارد. (۱۲)

1. Rhiannon Vickers
2. Soft Power
3. Nation Branding
4. E-Image

علی‌رغم تصوّر عمومی، *NPD* نه تبلیغات و نه فقط روابط عمومی (*PR*) است بلکه یک سیستم ارتباطی است که برای انجام مذاکره با موافقان و مخالفان طراحی شده است و لازمه آن داشتن توانایی استفاده از اطلاعات معتبر و کاربردی به منظور متقاعد کردن فعالان در جهت درک، پذیرش یا حمایت از سیاست‌ها و اقدام‌ها است.

دیپلماسی عمومی قدیمی فقط مورد استفاده ملت‌ها بود ولی از دیپلماسی عمومی نوین، هم فعالان دولتی و هم غیردولتی مانند افراد، شرکت‌ها، شبکه‌های رسانه‌ای، سازمانهای تروریستی، متحدان نظامی و سازمانهای دولتی و غیردولتی استفاده می‌کنند. ژوزف نای^۱ اصطلاح «قدرت نرم» را در سال ۱۹۹۰ بکار برد و از آن پس، این واژه گسترش یافت. قدرت، همان توانایی تسلط بر رفتار دیگران برای کسب نتیجه مورد نظر است. برای به دست آوردن چنین نتیجه‌ای می‌توان یا از «قدرت سخت» یعنی ابزار نظامی و اقتصادی یا «قدرت نرم» یعنی از ابزار جذاب، جالب توجه و منطقی استفاده کرد. «قدرت نرم» از جذابیت‌های ارزشی، فرهنگی و سیاسی جوامع بدست می‌آید (۱۳) و سبب همکاری بین مردم می‌شود.

هرگاه سیاست‌ها و مواضع فعالان دولتی یا غیردولتی، دارای قدرت معنوی یا از نظر دیگران قانونی باشد، «قدرت نرم» افزایش می‌یابد. ژوزف باتورا^۲ با توجه به تعاریف نای معتقد است دیپلماسی عمومی با تمام اقدام‌های فعالان دولتی و غیردولتی که به افزایش میزان «قدرت نرم» منجر شود، موافق است. (۱۴) منتقدان ادعا می‌کنند که «قدرت نرم»، تا حد زیادی به «قدرت سخت» بستگی دارد و علت جذابیت ابرقدرت‌ها، داشتن قدرت نظامی، اقتصادی و فناوری پیشرفته است. نای در آخرین کتاب خود این انتقاد را پذیرفته و اصطلاح «قدرت هوشمند» را به جای «قدرت نرم» و «قدرت سخت» استفاده کرده است. (۱۵)

جان آرکیلا^۳ و دیوید رانفلد^۴ از اصطلاح «قدرت نرم» مطرح شده توسط نای در تفکر راهبردی استفاده نمی‌کنند. آنها از واژه نوپولیتیک^۵ برای تعریف راهبردی امروزی استفاده می‌کنند که نقطه مقابل روش رئال پولیتیک سنتی مبتنی بر «قدرت سخت» است. (۱۶) نوپولیتیک نوعی سیاست خارجی است که در آن عقاید، ارزشها، هنجارها، قوانین و اخلاق در اولویت بوده و از راه «قدرت نرم» عمل می‌کند.

-
1. Joseph Nye
 2. Jozef Batora
 3. John Arquilla
 4. David Ronfeldt
 5. Noopolitik

به دلیل دسترسی‌های کاملاً متفاوت به فناوریهای اطلاعات در جهان، راهبرد مدرن بیشتر در غرب تأثیرگذار بوده و به بعضی از مسائل توجه بیشتری داشته است. راهبرد مدرن، به اهمیت سازمانهای غیردولتی و ویژه در جوامع مدنی توجه دارد و برای آنها نقش‌های مهمی در روابط بین‌الملل قائل است. اگرچه آرکیلا و رانفلد معتقدند که رتال پولیتیک و نوپولیتیک نسبت به هم متناقض‌اند ولی سیاست‌گذاران کارآزموده می‌توانند در هر شرایطی هر کدام را که مناسب می‌دانند به کار گیرند به ویژه هنگام مواجه شدن با دشمن سرسختی که توانسته است در برابر اعمال فشار مالی از نوع رتال پولیتیک از خود مقاومت نشان دهد.^(۱۷)

نای، آرکیلا و رانفلد همگی معتقدند که تبیین هوشمندانه سیاست خارجی باید مبتنی بر استفاده درست از «قدرت نرم» و «قدرت سخت» هر یک به جای خود باشد. دیپلماسی عمومی یک جانبه بود، به طوری که پیامدها و اطلاعات بین همه قشرها پخش می‌شد ولی تلاش در جهت ایجاد ارتباط دو جانبه و توجه به علایق و خواسته‌های مخاطبان صورت نمی‌گرفت، در صورتی که دیپلماسی عمومی مدرن براساس ارتباط دو جانبه بنا شده (۱۸) و توجه خاصی به گوش دادن به واکنشهای تمامی مخاطبان دارد. دیپلماسی عمومی نوین مبتنی بر ارتباطی راهبردی است که در آن ارزیابی علمی افکار عمومی و فنون متقاعدسازی به چشم می‌خورد. هم چنین این دیپلماسی به خلق و گسترش موضوع‌های مشخص و پایدار می‌پردازد. مدیریت اطلاعات، ابزار است که مسئولان به کمک آن بر پوشش خبری و قالب بندی وقایع و جریان‌های مهم اثر می‌گذارند.

کارشناسان روابط عمومی و متخصصان معتقدند که می‌توان به ملت‌ها مانند کالاها برچسب چسباند و این تفکر روز به روز در حال گسترش است. نشریه برند منیجمنت^۱ در سال ۲۰۰۲ با اختصاص یک شماره ویژه به مسئله نشان گذاری ملت‌ها، میزان توجه روز افزون به این موضوع را نشان داد. نشان گذاری به معنی «دادن بعد احساسی به کالاها و خدمات در جهت شناسایی آنها توسط ملت‌ها» (۱۹) بوده و نشانگر نظر مصرف کننده درباره یک کالا است و «نشان سیاسی» علامتی است که به وسیله آن یک ملت در جهان شناخته می‌شود. ممکن است این فرمول برای فعالان غیردولتی مانند سازمان‌های تروریستی یا غیردولتی نیز استفاده شود. نمونه‌های جدید نشان گذاری ملت‌ها عبارتند از: «بریتانیای برتر» که توسط تونی بلر ابداع شد و بریتانیا را به عنوان کانون هنر، شعر، رسانه و طراحی معرفی کرد، نشان جدید بلژیک به نام «باش» (Be) و تلاش کشور استونی برای تغییر اصطلاح «پس از شوروی»^۲ به نام مدرن تر «پیش از اتحادیه اروپایی».^۳

1. Brand Management
2. Post-Soviet
3. Pre-Eu

امروز اینترنت به رسانه ای مهم برای انتشار اطلاعات تبدیل شده است. (۲۰) تقریباً تمام فعالان دولتی و غیردولتی از پایگاه‌های اینترنتی برای معرفی تاریخ، سیاست، ارزش‌ها، فرهنگ، دانش و سایر یافته‌های خود استفاده می‌کنند. اینترنت این امکان را بوجود می‌آورد که بتوان نگرش حمایتی برای خود کسب یا حمله‌های دشمنان را خنثی یا به آنها حمله کرد. فعالان به منظور ترویج نظر خود به کمک اینترنت از دیپلماسی عمومی مجازی^۱ در دنیای اینترنت استفاده می‌کنند و در نتیجه ابعاد الکترونیکی قابل رقابت ایجاد می‌شود. امروزه اهمیت وجهه سازی الکترونیکی کمتر از وجهه‌سازیهای مرسوم نیست. وجهه‌سازیهای الکترونیکی ملت‌ها ابتدا در پایگاه‌های اینترنتی اداری رئیس‌جمهورها، نخست‌وزیرها و همچنین مؤسسات و وزارتخانه‌های امور خارجه، دفاع، امنیت ملی، بازرگانی، جهانگردی و علوم دیده می‌شود. سازمانهای تروریستی و غیردولتی هم برای ارائه دیدگاهها و اقدام‌های خود از اینترنت استفاده زیادی کرده‌اند. (۲۱)

براساس پیشنهاد شاخص موقعیت جهانی (WSI) تشکیل و تکمیل دیپلماسی عمومی بستگی به ارزیابی دقیق و درست شهرت و موقعیت (عوامل) فعال در دنیا دارد. موقعیت یک (عامل) فعال نه تنها از طریق پوشش خبری و آرای عمومی بلکه از طریق سایر زمینه‌های فعالیت بین‌المللی نیز مشخص می‌شود. شاخص موقعیت جهانی شامل متغیرهای زیر است:

- مناظره‌ها، الگوهای انتخاباتی و قطعنامه‌های صادر شده در سازمانهای بین‌المللی به ویژه سازمان ملل و سازمان‌های وابسته بدان؛

- بیانیه‌ها و اقدام‌های سازمانهای غیردولتی
- روابط دیپلماتیک و شناسایی دیپلماتیک
- مناظره‌ها و راهکارها در مجامع پارلمانی
- بیانیه‌های صادر شده در مورد سیاست‌های کلی از جانب رهبران مذهبی مانند پاپ
- نتایج مذاکرات سران عالی رتبه
- تأیید یا تکذیب انتقادات
- پایگاه‌های اینترنتی موافق و مخالف
- تحریم‌های رسمی و غیررسمی
- اقدام‌های قانونی صورت گرفته در دادگاههای داخلی و بین‌المللی

- گرایش افکار عمومی در میان ملت‌های سراسر جهان

- پوشش خبری

شاخص موقعیت جهانی در اجرای ۳ وظیفه دیپلماسی عمومی سودمند است:

۱- ارزیابی وجهه، شهرت و نقاط ضعف و قوت افراد فعال

۲- شناسایی نیازها و چالش‌های دیپلماسی

۳- ارزیابی ابتکار و برنامه‌های دیپلماسی عمومی

ب) جایگاه اسرائیل در جهان

تمام برنامه‌های مهم اسرائیل باید براساس دیپلماسی عمومی نوین و کارکردهای شاخص موقعیت جهانی باشد. به علت محدودیت فضا، این مقاله، فقط به بعضی از متفکرهای اصلی شاخص موقعیت جهانی اسرائیل می‌پردازد که عبارتند از: حق حیات اسرائیل، نبرد واژگان، قطنامه‌ها و اقدام‌های سازمان ملل، پوشش خبری و گرایش افکار عمومی.

۱) حق حیات:

اسرائیل تنها کشور دنیاست که حق حیات آن مورد بحث و سؤال قرار می‌گیرد. ملت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی و افراد مختلف به ندرت قانونی بودن یا نبودن رژیم‌های استبدادی را بررسی می‌کنند و هیچ‌گاه حق حیات یک رژیم مستبد و وحشی را زیر سؤال نبرده‌اند، اما عده‌ای از این فقلان درصدد غیرقانونی جلوه دادن موجودیت اسرائیل و ارائه دلایلی برای نابودی آن برآمده‌اند. قطنامه ۱۹۷۵ سازمان ملل در مورد برابری صهیونیسم با نژادپرستی نمونه‌ای از این نوع اقدام‌ها است. امروز نیز دشمنان و مخالفان ضمن مقایسه اسرائیل با نیروهای نازی آلمان و رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی از همان راهبرد مشروعیت زدایی پیروی می‌کنند.

بسیاری از نهضت‌ها و رهبران مسلمان عرب خواستار نابودی اسرائیل‌اند و در واقع هدف اصلی فلسطینی‌ها و سازمان‌های تروریستی مسلمان مانند حماس، جهاد اسلامی، حزب الله و القاعده نیز همین است. رهبران حکومت دینی اسلامی در ایران از جمله آیت‌الله روح‌الله خمینی و رئیس جمهوری کنونی، محمود احمدی نژاد در این موارد بسیار مصمم بوده‌اند و با صراحت اظهار نظر کرده‌اند. احمدی نژاد در کنفرانسی در تهران تحت عنوان «جهان بدون صهیونیسم» اسرائیل را «لکه ننگ» معرفی کرد و گفت باید از صحنه روزگار

محو شود. (۲۲) رهبر روحانی ایران، [آیت الله] علی خامنه‌ای در دسامبر ۲۰۰۰ اظهار داشت که موضع ایران در برابر این پدیده زشت (اسرائیل) همیشه مشخص بوده و بارها خواستار از بین رفتن این غده سرطانی از منطقه شده است. (۲۳)

بسیاری از روزنامه‌نگاران و محققان غربی و حتی یهودی یا اسرائیلی نیز چنین عقایدی را پذیرفته‌اند. (۲۴) تام پالین^۱ از دانشگاه آکسفورد در هفته نامه الاهرام مصر نوشته است: «من هیچ وقت باور نکرده‌ام که اسرائیل حق حیات دارد. (۲۵) آرای مشابهی در کتاب‌های ژاکلین رز و جان رز^۲ دیده می‌شود. (۲۶) و تونی جودت^۳ استاد دانشگاه نیویورک معتقد است تشکیل «دولت یهود» یک اشتباه تاریخی به حساب می‌آید و اسرائیل خود مسئول ظهور یهودستیزی است و تنها راه حل مناقشه اعراب و اسرائیل جایگزین کردن اسرائیل با یک دولت دولتی عربی - یهودی است. (۲۷) این نظریه از آن جهت اهانت‌آمیز است که مشابه اتهام‌هایی است که بعد از جنگ جهانی دوم بر یهودی‌ها وارد شد و آنها را مسئول هولوکاست دانستند.

بعضی از اسرائیلی‌ها هم معتقدند که کشوری به نام اسرائیل نباید وجود داشته باشد. اوفیرا سلیکتار^۴ تمامی نظرهای افراطی و همکاری پیچیده دانشگاهیان اسرائیلی با اندیشمندان رادیکال فلسطینی را بیشتر در اروپا و آمریکا مطرح کرده است. (۲۸) تاکنون هیچ دولتی توسط شهروندانش تا این اندازه درباره حق حیات خود مورد سؤال قرار نگرفته است.

نفی حق حیات اسرائیل و درخواست نابودی آن از جانب یهودیها و اسرائیلی‌ها بزرگترین ضربه را به حق حاکمیت اسرائیل وارد می‌کند زیرا دشمنان اسرائیل با تکرار گفته‌های این افراد، می‌گویند فقط مسلمانان و اعراب نیستند که خواستار نابودی اسرائیل‌اند.

اگرچه تعداد یهودی‌ها و اسرائیلی‌های معتقد به اضمحلال اسرائیل بسیار اندک است ولی رسانه‌های غربی همیشه با آنها مصاحبه می‌کنند و این تفکر را رواج می‌دهند که تعداد آنها بسیار زیاد است. آنان که حق حیات اسرائیل را رد می‌کنند، تروریست‌های آگاه‌اند که از اصطلاحاتی نظیر بمب علیه اسرائیل استفاده می‌کنند. برخی از آنها به شدت از حمله‌های انتحاری در اسرائیل حمایت می‌کنند. (۲۹) حمله‌های بی‌سابقه روشنفکرانه به حق حیات اسرائیل بسیار گسترده و خطرناک شده است زیرا این امر باعث قانونی شدن

1. Tom Paulin
2. Jacqueline Rose&John Rose
3. Tony Judt
4. Ofira Seliktar



طرح‌های کشورهای مثل ایران خواهد شد که نابودی اسرائیل را (به ظاهر با سلاح‌های هسته‌ای) می‌خواهند. تنها تعداد محدودی از روشنفکران و اندیشمندان، با ایده‌ها و ادعاهای آنها مخالف‌اند. (۳۰)

۲) نبرد واژگان

استفاده مناسب از کلمات برای توضیح وقایع و حقوق، و وضعیت مردم و جریانها در حرکت دیپلماسی عمومی بسیار مؤثر است زیرا کلمات، تصاویری را دربارهٔ صحت و سقم، عدالت و بی‌عدالتی در اذهان حک می‌کنند. اسرائیل نتوانسته است دنیا را به استفاده از واژگان و اصطلاحات مورد نظر خود متقاعد کند. نقش رسانه‌های ارتباط جمعی در «نبرد واژگان» بسیار تعیین کننده است و علت ناکامی اسرائیل تا اندازه‌ای به خاطر تعصب رسانه‌ها و برخوردهای دوگانه و ریاکاری آنهاست. رابرت فیسک^۱ به عنوان یک خبرنگار انگلیسی ضداسرائیل، رسانه‌های آمریکایی را به سبب استفاده از واژگان اسرائیلی‌ها برای تشریح جنگ اعراب و اسرائیل نکوهش کرده است. (۳۱) چیزی فراتر از واقعیت وجود ندارد. سیاستمداران، سازمانهای غیردولتی، خبرنگاران و محققان اغلب پذیرای واژگان اعراب و فلسطینی‌ها درباره جنگ‌اند. از زمانی که اسرائیل به عنوان متجاوز در «جنگ شش روزه» (سال ۱۹۶۷) و «جنگ یوم کیپور» (سال ۱۹۷۳) معرفی شد، تمام جهان، واژگان و اصطلاحات اعراب را پذیرفته‌اند. به عنوان مثال هیچ کس جنگ سال ۱۹۸۲ در لبنان را به عنوان «عملیات صلح جلیله» به رسمیت نمی‌شناسد بلکه آن را «حملة اسرائیل به لبنانی‌ها» معرفی می‌کنند.

تعصب رسانه‌های ارتباط جمعی با استانداردهای دوگانه سبب پیروزی اعراب در نبرد واژگان شده است. اسرائیل سرزمین متصرفی از اردن در جنگ شش روزه را به همان نام مصطلح در کتاب مقدس یعنی «یهودیه و سامریه» می‌خواند ولی در دنیا از واژه بی‌معنی اعراب یعنی «کرانه باختری» که منظور همان غرب رود اردن است استفاده می‌شود. بی‌بی‌سی هنگام پخش گزارشی درباره «معبد کوهستان»^۲ چندین بار اشاره کرد که منظور همان «حرم الشریف» به زبان عربی است اما شبکه‌های انگلیس موفق به انجام چنین کاری به نفع اسرائیل نشدند و برای مثال نگفته‌اند که «کرانه باختری» در زبان یهودی «یهودیه و سامریه» نامیده می‌شوند. اسرائیل، سرزمین‌های متصرفی از اعراب در جنگ سال ۱۹۶۷ را «سرزمین کنترل شده» یا «سرزمین‌های مورد اختلاف» می‌نامد در حالی که در دنیا از عبارت منفی «راضی اشغالی» استفاده می‌شود. فلسطینی‌ها اولین قیام خود در سالهای ۱۹۹۳-۱۹۸۷ در برابر اسرائیل را «انتفاضه» به معنی بیداری یا آزادی

1. Robert Fisk
2. Temple Mount

در زبان عربی می‌نامند و همچنین به مبارزات خشونت آمیز اخیر خود «انتفاضه الاقصی» می‌گویند. این واژه بدان معنی است که سرزمین‌های مقدس اسلامی در بیت المقدس در معرض خطر قرار دارند.

فلسطینی‌ها از دیدار آریل شارون از معبد کوهستان در سپتامبر ۲۰۰۰ برای اثبات ادعاهای خود و تصدیق خشونت استفاده کردند، اگرچه آنها مدت‌ها قبل از دیدار شارون، خود را برای جنگ آماده کرده بودند. مخالفان مذاکرات صلح اسلو، آن را «جنگ اسلو» نامیده‌اند، در حالی که توماس فریدمن^۱ خشونت‌های جدید را «جنگ عرفات» نامیده است زیرا عرفات جریان صلح را رها و جنگ مرگباری را علیه اسرائیل رهبری کرد. (۳۲) در هر صورت تمام دنیا حتی چندین خبرنگار، سیاستمدار و محقق اسرائیلی نیز (اصطلاح) «انتفاضه الاقصی» را پذیرفته‌اند. شاید این تنها مورد در تاریخ نوین است که ملتی که به آن حمله شده، مجبور است نامی که دشمن انتخاب کرده است را برای این جنگ به کار برد. اسرائیل نیروهایی که در عملیات بمب گذاری انتحاری فلسطینی‌ها شرکت می‌کنند را «تروریست» می‌نامد اما رسانه‌های ارتباط جمعی جهان و سیاست‌گذاران، به این نیروها عنوان شبه نظامی، تندرو، جنگجو، افراد مسلح، فعال یا حتی «پارتیزان» اطلاق می‌کنند. معمولاً رسانه‌ها، کارهای تروریست‌ها را «بمب گذاری یا حمله» به شمار می‌آورند نه «تروریسم». به ظاهر خبرنگارها زمانی بمب‌گذارهای انتحاری را «تروریست» می‌خوانند که آنها به ملت خود حمله کنند. رسانه‌های آمریکا حمله ۱۱ سپتامبر را تروریستی و عامل آن را تروریست خواندند و برای این نامگذاری مانعی پیش رو نداشتند. (۳۳) در جولای ۲۰۰۵ بی بی سی نیز از همان کلمات برای حمله به لندن استفاده کرد اما هنگامی که اسرائیل حذف فیزیکی سران ارشد حماس و جهاد اسلامی را «کشتن هدفمند» نامید، سیاست‌گذاران و رسانه‌ها به جای آن از عبارت منفی «ترور هدفمند» یا «قتل غیرقانونی» استفاده کردند.

اسرائیل حصری که اخیراً برای جلوگیری از ورود تروریست‌های فلسطینی به خاک خود کشیده است را «حصر امنیتی» می‌نامد در صورتی که فلسطینی‌ها آن را «دیوار» یا بدتر از آن «دیوار تبعیض نژادی» (آپارتاید) می‌نامند. اگرچه در سال ۲۰۰۳-۲۰۰۴ فقط بخش کوچکی از مرز (۵ مایل از ۸۵ مایل) دارای دیوار واقعی بود ولی سیاست‌گذاران، سازمان‌های غیردولتی، تعداد زیادی از رسانه‌ها و حتی دادگاه بین‌المللی لاهه^۲ نیز عبارات نادرست فلسطینی‌ها را پذیرفتند. کشیدن دیوار برای حفاظت از قسمتهایی از بزرگراه شماره ۶ اسرائیل بود، جایی که فلسطینی‌ها، ماشینهای غیرنظامیان را آتش می‌زدند. فلسطینی‌ها کلمه حصار را بدین

1. Thomas Friedman

2. The International Court of Justice=ICJ

منظور دیوار نامیدند تا مفهوم منفی «دیوار برلین» را به اذهان متبادر سازند و همچنین هدف از عبارت «دیوار تبعیض نژادی» ایجاد تفکر اعمال تبعیض علیه فلسطینی‌ها نزد افکار عمومی بوده است.

بدترین نوع استفاده از زبان، تشبیه اسرائیل به نازی‌های آلمان، مقایسه دفاع اسرائیل در برابر فلسطین با بی‌رحمی‌های آلمان و تشبیه ارتش اسرائیل با SS است. این نوع مقایسه‌ها در بسیاری از کشورها به وسیله سیاستمداران و خبرنگاران صورت گرفته است. پیکت^۱ نمونه‌هایی را از قبیل نوشته‌های تام پالین در نشریه آبرور^۲ و مقاله‌های ای ان ویلسون^۳ در نشریه ایونینگ استاندارد^۴ لندن ذکر می‌کند. (۳۴) او، پالین - محقق آکسفوردی - را لعن می‌کند زیرا پالین نه تنها ارتش اسرائیل را «صهیونیست SS» نامید بلکه در روزنامه مصری الاهرام هم اعلام کرد که ساکنان یهودی متولد بروکلین باید کشته شوند. به نظر من آنها نازی و نژادپرستاند و من جز نفرت، احساس دیگری نسبت به آنها ندارم. هوارد جاکوبسن^۵ - رمان‌نویس - با نظر پالین که معتقد است، اسرائیل قصد نابودی ملت‌هایی را دارد که هیچ تهدیدی برایش به حساب نمی‌آیند و هیچ بمبی در آن کشور نمی‌اندازند و فقط وجود دارند، مخالف است. (۳۵) او می‌گوید: کجاست اردوگاه‌های کار اجباری اسرائیل، اتاق‌های گاز، کشتارهای دسته جمعی، اعدام‌های دسته‌جمعی نظام مند میلیون نفری، آزمایش‌های پزشکی و قتل‌عام همجنس‌بازان؟ جاکوبسن چنین نتیجه‌گیری می‌کند که پالین مغز دارد ولی از آن در این مورد استفاده نمی‌کند و نمی‌خواهد بفهمد.

امانوئل اتولنگی^۶ چنین اظهار می‌دارد: یکسان جلوه دادن سیاست‌های نظامی اسرائیل با نازیسم سبب تغییر نظر عموم افراد درباره جنگ شده، مرز بین انتقاد قانونی و منطقی با دشمنی متعصبانه علیه اسرائیل را از بین برده و موجب قانونی شدن تلاش برای نابودی اسرائیل و توجیه اعمال تروریستی می‌شود. (۳۶) مفسران زیادی این واژه‌ها را برای بیان چنین عقایدی می‌سازند. به عنوان مثال مونابیکر^۷ جنگ اسرائیل - فلسطین را «نوعی هولوکاست» در فلسطین می‌داند و لوئیس دو برنیرز^۸ معتقد است اسرائیل از تاکتیک‌هایی استفاده می‌کند که یادآور تاکتیک‌های نازی‌هاست. (۳۷)

1. Pickett
2. Observer
3. A.N.Wilson
4. Evening Standard
5. Howard Jacobson
6. Emmanuele ottolenghi
7. Mona Baker
8. Louis de Bernieres

۳) سازمان ملل و سازمانهای بین‌المللی

برخورد سازمان ملل و سازمان‌های وابسته اش با اسرائیل، نشان دهنده چهره بین‌المللی و شهرت ضعیف آن است. وجهه مخوف اسرائیل را در رأی‌گیری مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۴ می‌توان مشاهده کرد. (۳۸) این مجمع به ۱۸ قطعنامه کاملاً یک‌جانبه و ضداسرائیلی رأی داد. به جز اسرائیل فقط ۳ عضو سازمان ملل، مخالف قطعنامه‌ها بودند: جزایر مارشال^۱، میکرونزی^۲ و پالاتو^۳. آمریکا با ۱۶ قطعنامه مخالف بود و به دو تای آنها رأی ممتنع داد. هیچ کشور اروپایی با آن قطعنامه‌ها مخالفتی نداشت. برخلاف تصور موجود، آمریکا به ندرت از حق وتو خود به نفع اسرائیل استفاده کرده است. (۳۹) از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۴ شورای امنیت بیش از ۱۲۰ قطعنامه درباره خاورمیانه را پذیرفته که تقریباً همه یک‌جانبه و علیه اسرائیل بوده‌اند و آمریکا کلاً ۳۹ قطعنامه را وتو کرده است. بنابراین آمریکا نیز از حدود دو سوم انتقادهای شورای امنیت علیه اسرائیل حمایت و از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ فقط ۱۱ قطعنامه کاملاً نامتعادل و ضداسرائیلی را وتو کرده است. (۴۰) برای مثال در اکتبر سال ۲۰۰۴، آمریکا، قطعنامه سازمان ملل، که در آن حمله نظامی اسرائیل به غزه بدون بررسی علت آن (یعنی حمله موشکی فلسطینی‌ها به شهروندان اسرائیل) منع شده بود را وتو کرد.

سازمان ملل به طور مستمر و نظام مند در حق اسرائیل تبعیض قائل شده است. شورای امنیت سازمان ملل یک سوم فعالیت‌ها و انتقادهای خود را به یک ملت - اسرائیل - اختصاص داده است، همچنین حدود یک سوم قطعنامه‌های مورد تأیید کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، اسرائیل را مورد انتقاد قرار داده‌اند ولی همین کمیسیون و سازمان ملل حتی یک قطعنامه انتقادی علیه سه چهارم اعضای سازمان ملل از جمله قهرمانان! حقوق بین‌الملل و حقوق بشر مثل سوریه، عربستان، چین و زیمبابوه را نپذیرفته است.

سازمان ملل به ندرت جلسه اضطراری برگزار می‌کند و از نظر آن سازمان هیچ دلیلی برای تشکیل جلسه اضطراری درباره نسل‌کشی در رواندا، پالایش نژادی در یوگوسلاوی، نسل‌کشی در دارفور یا قتل عام‌های هولناک در تیمور شرقی وجود نداشت. تمام موارد استفاده اسرائیل از نیروی زور در طول بیش از نیم قرن که از تشکیل آن می‌گذرد، خساراتی به مراتب کمتر از خسارات و تلفات این فجایع هولناک به جا گذاشته است اما سازمان ملل بی‌درنگ برای مسئله‌ای کوچکتر یعنی جنگ اسرائیل و فلسطین جلسه اضطراری تشکیل

1. Marshall Islands
2. Micronesia
3. Palau



می‌دهد. در سال ۲۰۰۳ سازمان ملل ۳ جلسه به طور کامل بی‌سابقه تشکیل داد که ۲ مورد آن‌ها حصار امنیتی اسرائیل را محکوم می‌کردند و دیگری انتقاد از اسرائیل برای اخراج عرفات بود. تا سال ۲۰۰۰ اسرائیل تنها عضو سازمان ملل بود که فاقد شرایط خدمت در شورای امنیت و سایر نهادهای سازمان ملل متحد از جمله شورای مسائل اقتصادی-اجتماعی، دادگاه بین‌المللی، یونیسکو و کمیسیون حقوق بشر به حساب می‌آمد. چون برای پذیرفته شدن در یکی از این نهادها، عضویت در یکی از ۵ گروه منطقه‌ای ضروری است. ملت‌های عرب مانع پذیرش اسرائیل در بلوک آسیا شدند و تا سال ۲۰۰۰ گروه اروپای غربی و گروه سایرین (WEOG)- که مشتمل بر ۲۷ کشور مانند آمریکا، کانادا، استرالیا و نیوزیلند است- نیز پذیرای اسرائیل نبودند. سر رابرت جنینگز^۱ - قاضی و رئیس قلمی دادگاه عالی بین‌المللی - معتقد است که سابقه طولانی مدت اسرائیل در سازمان ملل، هم غیرقانونی است و هم تیشه بر ریشه اصول سازمان ملل می‌زند. (۴۱)

کمیسیون حقوق بشر - که سوئدان و لیبی نیز هر کدام یک بار رهبری آن را برعهده داشتند - با جدا کردن و در دستور جلسات مجزا قرار دادن، الگوی تعصب و تبعیض علیه اسرائیل را در سازمان ملل به وجود آورد و نیز کنفرانس بین‌المللی که در سپتامبر سال ۲۰۰۱ علیه نژادپرستی و با حمایت سازمان ملل در دوربان آفریقای جنوبی برگزار شد، توسط اعراب، مسلمانان و سازمانهای غیردولتی ضد اسرائیلی، تبدیل به کنفرانس محکومیت یهود و اسرائیل شد. هدف این گونه حمله‌های سازمان ملل، معرفی اسرائیل به عنوان ناقض مسلم حقوق بشر است.

سازمان ملل با روشها و شیوه‌های خاصی به اسرائیل حمله کرده و حداقل ۴ بخش اجرایی مجزا برای جنگ فلسطین - اسرائیل از قبیل کمیسیون حقوق بشر و کمیته بررسی تأثیرات اقدام‌های اسرائیل بر حقوق مردم فلسطین تشکیل داده است. این بخشها تحت نظر دبیرکل فعالیت می‌کنند و پول، وقت و انرژی زیادی را برای تقویت تبلیغات ضداسرائیلی از طریق فیلم، کتاب و نمایشگاه صرف می‌کنند. تا به حال با هیچ حکومت ناقض حقوق بشر چنین برخوردهای تبعیض‌آمیز و نادرستی نشده است، حتی اگر میزان شدت اعمالشان بیشتر از اسرائیل بوده باشد. در سال ۲۰۰۳ فلسطینی‌ها از مجمع عمومی سازمان ملل درخواست کردند رأی دادگاه بین‌المللی را درباره مرز امنیتی جویا شود. این مورد، هم نشان‌دهنده روا داشتن تبعیض علیه اسرائیل و سوء استفاده از اسرائیل در سازمان ملل و هم تخریب وجهه اسرائیل است.

اسرائیل، آمریکا و چند کشور دیگر دادگاه بین‌الملل را برای این کار فاقد صلاحیت می‌دانستند. اسرائیل بیانیه‌ای مکتوب منتشر کرد ولی خود در برابر قضات حاضر نشد. دادگاه بین‌المللی با تفاوت آراء ۱۴ به ۱ چنین حکم کرد که ساخت «دیوار» ناقض حقوق بین‌الملل است و اسرائیل باید آن را خراب کند و خسارت قربانیان فلسطینی را بپردازد. (۴۲) این قطعنامه نیز مانند اکثر قطعنامه‌های سازمان ملل درباره اسرائیل، تروریست بودن فلسطینی‌ها را تکذیب می‌کند. دلیل ساخت دیوار نیز تروریست دانستن فلسطینی‌هاست. علاوه بر آن، این رأی تحت تأثیر سایر موارد بوده و قانونی لازم الاجرا نیست (آن دادگاه فقط می‌تواند رأی پیشنهادی صادر کند نه حکم قضایی) (۴۳) اما با این وجود، مخالفان اسرائیل بلافاصله نظر دادگاه بین‌الملل را به عنوان حکم علیه رفتار غیرقانونی اسرائیل قلمداد و این تصور غلط را ایجاد کردند که این حکم پیشنهادی نیست بلکه لازم الاجراست. تبلیغات حامیان فلسطین در این مورد سبب تقویت تفکر غیرقانونی و نژادپرست بودن اسرائیل شد. در هر صورت سازمان ملل قطعنامه برابری صهیونیسم با نژادپرستی را لغو کرده و اخیراً اجازه پیوستن برخی از اسرائیلی‌ها به نهادهای وابسته به سازمان ملل را داده است. برای اولین بار در سال ۲۰۰۵ یک سفیر اسرائیل در سازمان ملل به عنوان یکی از ۲۰ نایب رئیس تنظیم کننده صورت جلسات مجمع عمومی انتخاب شد. (۴۴) یک اسرائیلی دیگر به عنوان معاون رئیس کمیسیون خلع سلاح سازمان ملل و یکی دیگر به عنوان عضو کمیته میراث جهانی در یونسکو انتخاب شدند ولی هیچ یک از این پیشرفت‌ها سبب تغییر نگرش سازمان ملل درباره اسرائیل نشد. سازمان ملل این سمت‌ها را از آن جهت برای اسرائیلی‌ها در نظر گرفت که سیاست‌های تبعیض آمیزش باعث لکه دار شدن شهرتش شده بود. هنوز هم سازمان ملل و مراکز وابسته آن با اسرائیل دشمنی داشته و دائم به آن اعتراض می‌کنند.

ج) رسانه‌ها و افکار عمومی

۱) پوشش خبری

به جز چند استثنا- بیشتر در آمریکا- رسانه‌ها و شبکه‌های خبری، همواره اسرائیل را به باد انتقاد گرفته و از فلسطین دفاع کرده‌اند. دانیل اُکرنِت^۱ - سردبیر کل نیویورک تایمز، مقاله ای درباره جنگ اسرائیل - فلسطین را پذیرفت که مضمون مقاله چنین است: سرانجام کار به این جا خواهد رسید که روزنامه‌نگاری به تنهایی برای گفتن داستان کافی نیست... این تمام واقعیت نیست بلکه بخشی از آن است. (۴۵) ضرب‌الاجل روزانه و فضای کم برای روزنامه‌نگاری باعث شده‌اند که حتی بهترین روزنامه‌نگاران، درباره حقایق، کوتاه و

1. Daniel okrent

مختصر بنویسند. روزنامه‌نگاری نه تنها مختصرسازی است بلکه اغلب اشتباه، گمراه کننده، متعصبانه و تخریب‌کننده نیز است.

۲ مورد زیر نشان‌دهنده دیدگاه و عدم توانایی رسانه هاست: یکی مرگ محمد الدوره^۱ در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۰ در آغاز جنگ اسرائیل- فلسطین و دیگری جنگ سال ۲۰۰۲ در جنین. قضیه الدوره به دقت مورد تحقیق و مستندسازی در متون و فیلم‌ها قرار گرفته است. (۴۶) مرگ پسری ۱۲ ساله در آغوش پدر در دومین روز جنگ اسرائیل- فلسطین، توجه دوربین‌ها را به سوی خود جلب کرد و جهان را تکان داد و علاوه بر برانگیختن خشم فلسطینی‌ها و اعراب، سبب جنگ علیه اسرائیل نیز شد. این اتفاق وحشیگری سربازان اسرائیل را نشان داده و آنها را افرادی ظالم و متجاوز معرفی می‌کند.

عده زیادی معتقدند که تبلیغات گسترده درباره مرگ الدوره، عامل اصلی ناتوانی اسرائیل در جهت معرفی دلایل جنگ بود. این دلایل عبارتند بودند از: (۱) نقض توافقنامه ۱۹۹۳ که فلسطینی‌ها را ملزم به یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز کرد. (۲) پاسخ منفی عرفات به پیشنهاد صلح نهایی که از جانب ایهود باراک (نخست‌وزیر اسرائیل) و بیل کلینتون (رئیس‌جمهور آمریکا) پیشنهاد شده بود.

این صحنه توسط طلال ابورحمه^۲ - فیلمبردار فلسطینی که برای تلویزیون دولتی «شبکه ۲ فرانسه» کار می‌کند تبدیل به فیلم شده است. او به چارلز اندرلین^۳، خبرنگار مرکزی (که در صحنه حضور نداشت) گفته است که سربازان اسرائیلی از روی عمد به مدت ۳۵ ثانیه به سوی پدر و و فرزند تیراندازی کردند که منجر به زخمی شدن پدر و مرگ فرزند شد. اندرلین در گزارش خود این جریان را تکرار و یک فیلم ۵۱ ثانیه‌ای نیز تهیه کرد. آن فیلمبردار گفته است در مجموع ۳۷ دقیقه فیلمبرداری کرده و فقط ۶ دقیقه از آن را برای اندرلین فرستاده است. توضیح نامشخص و با تأخیر اسرائیل به خبرنگاران، منجر به درست جلوه دادن این داستان فرانسوی- فلسطینی شد.

اما چندی بعد، فیلمبردار قبول کرد که تحت فشار فلسطینی‌ها، درباره موقعیت این اتفاق و فیلمش دروغ گفته است. پس از تحقیقات خیلی دقیق و بررسی صحنه فیلم، شک و تردیدهایی درباره نسخه فرانسوی- فلسطینی بوجود آمد و به احتمال زیاد، فلسطینی‌ها آن پسر را کشته‌اند. احتمال صحنه‌سازی فلسطینی‌ها در هنگام جنگ نیز وجود داشت. اندرلین و شبکه ۲ فرانسه موفق به بازسازی فیلم اصلی (مستند) و ارائه

1. Muhammad al-Dura
2. Talal Abu Rahmeh
3. Charles Enderlin

پاسخهای رضایت بخش درباره گزارش اصلی نشدند. منتقدانی از قبیل لوک روزن زویگ^۱ خبرنگار سابق لوموند^۲، دنیس جیم بر^۳ از ال اکسپرس^۴ و دانیل لکننت^۵ تهیه کننده برنامه‌های تلویزیونی، این مرکز خبری را به خاطر پخش این گزارش جنجال برانگیز درباره جنگ اسرائیل - فلسطین که منجر به تخریب وجهه و اعتبار اسرائیل شده است، محکوم کردند.

پوشش خبری عملیات دفاعی سال ۲۰۰۲ اسرائیل در جنین از موضوع الدوره بسیار رسوا کننده تر بود. در ۲۳ مارس ۲۰۰۲ در شب عید پسخ، یک تروریست فلسطینی وارد هتل پارک در نتانیا شد و در آنجا خود و ۲۹ اسرائیلی را از بین برد و ۱۴۰ نفر را نیز مجروح کرد. بسیاری از قربانیان افراد مسن باقیمانده از هولوکاست بودند. این تروریست از مرکز تروریستی کرانه باختری یعنی جنین آمده بود. در طی ۵ روز بعد از آن جریان نیز، تروریسم فلسطینی ۲۴ اسرائیلی دیگر را کشت و ۱۴۰ نفر را مجروح کرد. در ماه آوریل اسرائیل تصمیم به شناسایی و تخریب «کارخانه‌های ترور» در جنین گرفت. «عملیات سپر دفاعی» حدود یک هفته طول کشید و کمتر از یک درصد کل شهر را تحت پوشش قرار داد.

طبق تأیید سازمان ملل و چندین سازمان حقوق بشر و سازمان‌های فعال در زمینه کمک‌های بشردوستانه ۵۲ فلسطینی در این عملیات کشته شدند که فقط ۳ نفر آنها مبارز نبودند. (۴۷) اسرائیل ۲۳ سرباز از دست داد که بسیاری از آنها برای آسیب نرسیدن به غیرنظامیان فلسطینی، جان خود را به خطر انداخته بودند. تعداد خانه‌هایی که برای یافتن بمب تخریب شده‌اند نیز بسیار کم بود.

رسانه‌ها بدون هیچ دلیل منطقی، گفته‌های فلسطینی‌ها درباره اسرائیل و «قتل عام» نامیدن عملیات را به راحتی می‌پذیرند (۴۸) ولی اطلاعات درست و منطقی اسرائیل را قبول نمی‌کنند و رسانه‌های تلویزیونی و روزنامه‌ها به طور ناعادلانه «سپرهای دفاعی» را «قتل عام»، «اعدام شتابزده»، «جنایات جنگی»، «گورستان عمومی» و «نسل کشی» قلمداد کردند. پوشش خبری در انگلیس نمونه‌ای از پوشش خبری در دنیاست. برای مثال در ۱۵ آوریل ای. ان. ویلسون^۶ در نشریه «ایونینگ استاندارد»^۷ گفته است: ما در این جا درباره قتل عام

1. Luc Rosenzweig
2. Le Monde
3. Denis Jeambar
4. L Express
5. Daniel Leconte
6. A. N. Wilson
7. Evening Standard



صحبت می‌کنیم و به عبارتی نسل کشی کامل. در ۱۶ آوریل، فیل ریوز^۱ در «ایندپیندننت» گفته است: جنگ دو هفته ای وحشتناکی که اسرائیل قصد انجام آن را داشت سرانجام به نمایش گذاشته شد. او اضافه می‌کند: خشونت‌هایی که در اردوگاه آوارگان جنین صورت گرفته باعث گشته و زخمی شدن صدها فلسطینی شده است. گزارش‌های مربوط به «عملیات سپر دفاعی» باعث شد سیاستمداران، اسرائیل را به شدت محکوم کنند. به عنوان مثال در ۱۶ آوریل جرالده کافمن^۲ شارون را «جنایتکار جنگی» و اقدامات دفاعی اسرائیل را «بهربریت» خواند. اگرچه اسرائیل با ممانعت از ورود خبرنگاران به منطقه جنگ در آغاز عملیات، دچار اشتباه شد ولی این کار ناکامی رسانه‌ها را توجیه نمی‌کند. (۴۹) بعدها فیل ریوز نظر خود و همکارانش را نامنظم، غیرحرفه‌ای و غیراخلاقی شمرد و گفت که این یک اتفاق نادر است و خبرنگاران نیز باید بپذیرند که مرتکب اشتباه خواهند شد. (۵۰) حتی در همین وضعیت نیز آنها موقعیت اسرائیل در جهان را خراب کرده و فلسطینی‌ها را به اقدام‌های تروریستی تشویق کردند. علی‌رغم شواهد گوناگون، بازهم فلسطینی‌ها و سراسر دنیای اسلام اتفاقات جنین را قتل عام به حساب می‌آورند. مقایسه پوشش خبری در انگلیس با آمریکا در همان روزها نشان می‌دهد که روزنامه‌هایی از قبیل «نیویورک تایمز» و «واشنگتن پست» نسبت به ادعاهای فلسطینی‌ها کاملاً مشکوک بودند و نظرات اسرائیلی‌ها را نسبتاً درست می‌دانستند.

پوشش آژانس‌های خبری مرکزی بسیار شایان اهمیت است زیرا خبرگزاری‌هایی که قادر به تشکیل دفتر در اسرائیل نیستند گزارش‌های خود را براساس آنها اعلام می‌کنند و تحت تأثیر اشتباه‌های نظام مند قرار می‌گیرند. ۲ تحقیق، پوشش خبری «آژانس فرانس پرس»^۳ را مورد بررسی قرار داده‌اند. کلمنت رینال^۴ در ۳ مورد طرفداری از فلسطین و دشمنی با اسرائیل را مشاهده کرده است: جریان دیدار شارون در معبد کوهستان در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰، مرگ محمد الدوره و همچنین موضوع طراحی جنگ اسرائیل - فلسطین که توسط وزیر اطلاعات فلسطین - عماد فالوجی - در ۲ مارس ۲۰۰۱ مورد پذیرش قرار گرفت که درگیریهایی کنونی به خاطر

1. Phil Reeves
2. Gerald Kaufman
3. L. Agence France Presse
4. Clement Raynal

دیدار شارون نبوده است. (۵۱) جکس تارنرو^۱ و فیلیپ بن سوزان^۲ براساس یکی از اسناد معتبر سال ۲۰۰۲ تحت عنوان دیکریپتیج^۳ تحریفات و تبیضهای ضداسرائیلی فرانس پرس را توضیح داده‌اند. (۵۲)

تحقیقات مربوط به اشتباه‌های رسانه ای بیشتر درباره منابع خبری آمریکایی و اروپایی بوده است و به نتایج مختلفی رسیده‌اند. (۵۳) پوشش خبری در انگلیس، جنگ فلسطین - اسرائیل را با جریان متداول ضداسرائیل و ضدیهود در اروپا نشان می‌دهد. (۵۴) بی بی سی، ارزش توجه ویژه‌ای دارد زیرا در سراسر دنیا دارای شهرت بی‌نظیری است. ۳ گزارش جامع که بین سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ درباره جنگ فلسطین - اسرائیل از بی بی سی پخش شد، تعصب به جانب‌داری از فلسطین و ضدیت با اسرائیل را نشان می‌دهند. (۵۵) این نویسندگان درباره عدم صحت و بی طرفی رسانه‌ها در انتخابات و حذف واقعیات، اسنادی را تهیه کرده‌اند که نشان می‌دهند واقعیات به طور کامل تغییر کرده‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که گزارش‌های بی بی سی نادرست بوده و می‌توان مواردی را دال بر این امر پیدا کرد. (گزارش سال ۲۰۰۲ صفحه یک).

در سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ بی بی سی ۲۰ گزارش مستند درباره جنگ اسرائیل - فلسطین پخش کرد که جز یکی از آنها بقیه علیه اسرائیل بودند. بی بی سی در مقایسه با سایر مناطقی که در آن مشکلات سیاسی و انسانی عمده وجود دارد، به جنگ اسرائیل - فلسطین بخش کمتری را اختصاص می‌دهد. (۵۶) آمار مربوط به این موضوع بسیار عجیب است: شبکه انگلیس هر ۲ یا ۳ ماه یک بار گزارشی انتقادی از اسرائیل پخش می‌کرد که ۸۸٪ آنها چهره‌ای منفی از اسرائیل یا (در دو مورد) مثبت از فلسطین نشان می‌دادند (گزارش سال ۲۰۰۴ صفحه ۳). داگلاس دیویس^۴ انحراف‌ها و تعصبات ضداسرائیلی نظام مندی را یافته است. او بی بی سی را به خاطر ترغیب دیگران علیه اسرائیل و یهود در اروپا و جهان سرزنش می‌کند. (۵۷) او معتقد است که مخالفت شدید با صهیونیسم و اسرائیل به صورت حتمی مخالفت با یهود را نیز به دنبال خواهد داشت و این امر جزء لاینفک گزارش‌های بی بی سی است. رسانه‌های چاپی بریتانیا به ویژه رسانه‌های جناح چپ نیز همین اشتباه‌ها را تکرار می‌کنند.

-
1. Jacques Tarnero
 2. Phillippe Bensoussan
 3. Decryptage
 4. Douglas Davis

بررسی رسانه‌های آمریکایی نتایج متفاوتی را نشان می‌دهند. زلیزر^۱، پارک^۲ و گادلوناس^۳ چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که ۳ روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز، واشنگتن پست و شیکاگو تریبون گزارش‌های متفاوتی درباره جنگ اسرائیل - فلسطین ارائه کرده‌اند که حاوی اختلافها و اشتباه‌هایی است (۵۸) آنها متوجه شدند که نیویورک تایمز تمایل به طرفداری از اسرائیل داشته و ۲ روزنامه دیگر هر چند متعادل ترند ولی در مواردی خاص بیشتر حامی فلسطین بوده‌اند اما آنها فقط ۳۰ روز از ۱۰ ماه اول جنگ را بررسی کردند. جاشوا موراوچیک^۴ پوشش خبری از ۱۰ حادثه مهم را بررسی کرد، از دیدار شارون از معبد کوهستان گرفته تا جنگ جنین. او این کار را با رجوع به ۷ رسانه خبری و چاپی یعنی نیویورک تایمز، واشنگتن پست، Fox, CNN, NBC, CBS, ABC انجام داد و در آنها خبرهای گمراه کننده، ناعادلانه، جانبدارانه و نادرست زیادی درباره اسرائیل مشاهده کرد. (۵۹) استفانی گاتمن^۵ معتقد است که «انتفاضه دوم» از طریق تعدادی عکس معرفی شده است آن هم عکس‌هایی که واقعیت را برای ما روشن نمی‌کنند. (۶۰)

مفسران به خوبی متوجه شده‌اند که پوشش خبری در اروپا بیشتر از آمریکا منتقد اسرائیل بوده ولی تفاسیر هم جای سؤال دارند. به نظر مایکل گلدفارب^۶ این تفاوت سبب اشتباه در پوشش خبری در آمریکا نسبت به اسرائیل شده و آمریکا باید «یاد بگیرد» که چطور می‌تواند اسرائیل را از دید رسانه‌های اروپایی مخفی کند. ماردانانسکی^۷ معتقد است که رسانه‌های آمریکایی از اسرائیل پشتیبانی می‌کنند زیرا آنها از سیاست رسمی آمریکا بدون چون و چرا پیروی می‌کنند. (۶۱) شواهد زیادی مبنی بر انتقاد رسانه‌های آمریکا از اسرائیل و سیاست آمریکا وجود دارد که موقعیت کاملاً متضادی را نشان می‌دهند. در صورتی که رسانه‌های اروپایی بدون چون و چرا سیاست ضداسرائیلی را به دقت دنبال کرده‌اند. (۶۲) برای مثال پوشش خبری در آمریکا درباره «سپر دفاعی» از پوشش خبری در اروپا درست تر و متعادل تر بوده است.

خبرنگاران به ندرت به اشتباه‌ها اعتراف می‌کنند و به دلیل خطاها و قضاوت‌های نادرست خود پوشش نمی‌خواهند. آنها به ندرت مورد بازخواست قرار گرفته و به سبب تحریک دیگران به خشونت و تنفر، تنبیه می‌شوند ولی در این قسمت فهرستی از پذیرش اشتباه‌ها و عذرخواهی‌ها را مشاهده می‌کنید که بسیار

1. Zelizer
2. Park
3. Gudelunas
4. Joshua Muravchik
5. Stephanie Gutmann
6. Michael Goldfarb
7. Marda Dunskey

شگفت‌انگیز است. در سال ۱۹۸۵ یکی از دادگاه‌های نیویورک به مجله تایم دستور داد تا یک گزارش جعلی را مبنی بر نقش شاورن در قتل عام فلسطینی‌ها در سال ۱۹۸۲ توسط سربازان لبنانی مسیحی در بیروت منتشر کند (۶۳) و بعد از اینکه رسانه‌های غربی تهدیدهای سازمان آزادیبخش فلسطینی علیه خبرنگارهای خارجی را در بیروت (۶۴) منتشر کردند، توماس فریدمن به اشتباه رسانه‌های غربی و جانبداری آنها از سازمان آزادیبخش فلسطین اعتراف کرد. (۶۵) سردبیر نیو استیمنت^۱ پس از دریافت تعداد بیشماری از ایمیل‌های شدیدالحن به سبب انتشار مقاله‌ای ضدیهودی در ۱۴ ژانویه ۲۰۰۲ معذرت‌خواهی کرد. در سال ۲۰۰۴ چند خبرنگار بی باک رادیو فرانسه، علیه آرای ضداسرائیلی الین منارگز^۲ تهیه‌کننده مرکز خبر اعتراض کردند. (۶۶) در می ۲۰۰۵ یک دادگاه فرانسوی یکی از معروف‌ترین روزنامه‌های فرانسوی در دنیا - لوموند - را به علت «تهمت نژادپرستی» به اسرائیل و مردم یهود، مجرم اعلام کرد. (۶۷) این فهرست نشان دهنده یک مشکل بزرگ نظام‌مند رسانه‌ای درباره جنگ اعراب - اسرائیل در رسانه‌های غرب و جهان است.

رسانه‌ها مشاهده‌کننده‌های بی‌طرفی نبوده بلکه مخالفان فعال ضداسرائیلی در جنگ اسرائیل - فلسطین‌اند. (۶۸) گالوی^۳ نظریه «نقش رسانه‌های دشمن» را در این باره مطرح می‌کند و آن هنگامی است که ۲ گروه درگیر جنگ و طرفدارانشان یک گزارش را به ۲ گونه متضاد تفسیر می‌کنند، زیرا معتقدند رسانه‌ها اغلب از نظرهای مخالفان استفاده می‌کنند، اما این توضیح موضوع اصلی را نادیده می‌گیرد. مسئله این نیست که ۲ طرف اخبار را چطور تفسیر می‌کنند بلکه نحوه ارائه اخبار به سیاستمداران و مردم و استنباط آنها مهم است. روش دیگر، «خبرنگاری وابسته» است که در آن خبرنگاران از جناحی طرفداری کرده و به نمایندگی از جانب «قربانیان» دست به مبارزه می‌زنند و این همان کاری است که در پوشش خبری جنگ اسرائیل - فلسطین انجام می‌دهند. (۶۹) رسانه‌ها، فلسطین را قربانی و اسرائیل را متجاوز می‌دانند. (۷۰)

این نوع نگرش عامل اصلی انحراف‌ها و اشتباه‌های گزارش‌ها در سراسر دنیاست. سایر عوامل عبارتند از: سیاست اطلاعاتی غیرفعال اسرائیل، یهودستیزی، ماهیت گزارش‌های تلویزیونی در بهره‌گیری از به تصویر کشیدن کودکان در مقابل تانکها، تروریسم فلسطینی علیه خبرنگاران خارجی و سرانجام استخدام خبرنگاران محلی فلسطینی که تعهد آنان نسبت به مردم بیش از تعهد شغلی شان است. (۷۱) گزارش‌های رسانه‌ای درباره جنگ کنونی اسرائیل - فلسطین وجهه و شهرت اسرائیل را به ویژه در اروپا به شدت خراب کرده است. بررسی

1. New Statement
2. Alain Menargues
3. Galloway

مواردی مانند مرگ دوره و جنگ جنین ثابت می‌کند که بعضی از منابع رسانه‌ای بی‌اعتباری گزارش‌های نادرست فلسطینی‌ها را می‌پذیرند. مشکل این است که گزارش‌های داغ بر سیاستمداران و افکار عمومی تأثیرگذارند ولی از آنجا که گزارش‌های دقیق و بررسی شده هفته‌ها یا شاید سال‌ها بعد منتشر می‌شوند چندان مورد توجه قرار نخواهند گرفت.

۲) افکار عمومی:

طبق نظرسنجی‌های به عمل آمده در سالهای اخیر به ویژه در اروپا، می‌توان نتیجه گرفت که برداشتهای منفی درباره سیاست‌ها و رفتار اسرائیل وجود دارد و حمایت کمی از آن می‌شود. آمار افشا شده اتحادیه اروپا در نوامبر ۲۰۰۳ نشان می‌دهد که ۱۵ کشور، اسرائیل را «بزرگترین تهدید برای صلح جهانی» می‌دانند. در این آمار اسرائیل حتی از کشورهایی چون ایران، کره شمالی، عراق، لیبی و سوریه هم تهدیدکننده‌تر به حساب آمده است. (۷۲) هلندیها، اتریشی‌ها، لوگزامبورگی‌ها، آلمانی‌ها و دانمارکی‌ها از منتقدان سرسخت اسرائیل بوده ولی فرانسویها و ایتالیایی‌ها حداقل انتقادها را داشتند. این آمار از نظر ساختار، واژگان و تجزیه و تحلیل ضعیف و سطحی بود و مورد انتقاد رهبران سیاسی و متخصصان امور قرار گرفت. (۷۳) اما مسئله حائز اهمیت، توجهی است که به نتایج گزارش‌ها در اروپا و جهان نشان داده شده که منجر به منفی کردن چهره اسرائیل می‌شود. نظرسنجی‌هایی که در چند کشور اروپایی در سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ به عمل آمده نشان دهنده وجهه خراب شده اسرائیل است. جدول شماره یک نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۲، ۴ کشور از ۱۰ کشور اروپایی (دانمارک، آلمان، ایتالیا و بریتانیا) نظر مثبتی نسبت به اسرائیل داشته‌اند در صورتی که در سال ۲۰۰۴ فقط ایتالیا چنین وضعیتی را حفظ کرد. علاوه بر آن در همین سال میزان عدم تمایل آن ۱۰ کشور به اسرائیل افزایش یافت. در کشورهایی نظیر بلژیک، دانمارک، سوئیس و هلند میزان این افزایش اساسی بود. البته نتایج کار در آمریکا بسیار متفاوت بود و آمار موافق اسرائیل بسیار زیاد است.



جدول شماره یک: فرم نظرخواهی مربوط به میزان گرایش به سمت اسرائیل

آیا شما نسبت به اسرائیل نظری کاملاً مساعد، تقریباً مساعد، مساعد، بی طرف، مخالف یا کاملاً مخالف

دارید؟

نامساعد به درصد			موافق (مساعد) به درصد			نظرات
جریان	۲۰۰۴	۲۰۰۲	جریان	۲۰۰۴	۲۰۰۲	سال / کشور
+	۳۲	۲۹	+	۲۳	۲۱	اتریش
+	۳۸	۳۰	-	۱۸	۲۶	بلژیک
+	۳۵	۲۷	-	۲۳	۳۱	دانمارک
+	۳۰	۲۸	-	۲۲	۲۳	فرانسه
+	۲۷	۲۴	-	۲۱	۲۹	آلمان
+	۲۰	۱۹	-	۴۰	۴۱	ایتالیا
+	۴۰	۳۴	-	۱۳	۱۴	اسپانیا
+	۴۶	۳۴	-	۱۷	۲۴	سوئیس
+	۴۳	۳۵	-	۲۵	۳۴	هلند
+	۲۶	۲۱	-	۲۴	۲۹	بریتانیا
.	۳۵	۳۵	+	۵۹	۵۸	آمریکا

منابع: اطلاعات اروپایی از گزارشی توسط انجمن ضدافترا در سال ۲۰۰۴ بدست آمده‌اند.

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴، ۹ کشور اروپایی از ۱۰ کشور با فلسطین همراه بوده و اکثر کسانی که در سال ۲۰۰۱ بی طرف بودند در سال ۲۰۰۴ به فهرست طرفداران فلسطین پیوستند.

جدول شماره ۲: فرم نظرخواهی مربوط به اعلام همراهی با اسرائیل یا فلسطین در مسائل جاری بین اسرائیل و فلسطین، از کدام یک طرفداری می‌کنید؟

وضعیت کشور	طرفدار اسرائیل (به درصد)			طرفدار فلسطین (به درصد)			هیچ یک (به درصد)		
	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۴	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۴	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۴
اتریش	-	۱۳	۱۷	-	۳۸	۲۶	-	۳۴	۳۳
بلژیک	۱۰	۱۴	۱۲	۱۲	۲۹	۳۰	۶۸	۳۶	۴۱
دانمارک	-	۱۶	۱۳	-	۳۳	۲۷	-	۲۴	۳۳
فرانسه	۷	۱۰	۱۸	۱۷	۲۹	۱۷	۶۶	۳۷	۵۳
آلمان	۱۵	۱۷	۱۷	۱۵	۲۵	۲۱	۶۵	۳۶	۴۳
ایتالیا	۸	۱۰	۱۶	۱۱	۳۱	۲۴	۵۸	۳۳	۴۳
اسپانیا	۳	۱۱	۷	۱۲	۳۵	۲۴	۷۷	۳۷	۴۶
سوئیس	-	۱۶	۱۱	-	۳۸	۳۱	-	۳۳	۴۱
هلند	۲۵	۲۸	۲۸	۲۱	۳۷	۲۷	۳۳	۲۳	۲۷
بریتانیا	۱۲	۱۳	۱۸	۱۴	۳۰	۲۴	۵۹	۲۷	۳۳
آمریکا	۵۰	۴۹	۵۵	۱۳	۱۴	۱۸	۳۷	۳۷	۲۷

در بلژیک، اسپانیا و بریتانیا تمایل به حمایت از فلسطین رشد زیادی داشته است و آمریکایی‌ها با اسرائیلی‌ها همراهی بیشتری داشته‌اند.

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که بین سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ تعداد افراد معتقد به «تمایل اسرائیل برای رسیدن به صلح با فلسطین» کاهش یافته است. میزان این کاهش در دانمارک، فرانسه و هلند بسیار زیاد بود اما در اتریش و ایتالیا تغییری نداشته است. بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ میزان پاسخ دهنده‌ها به فرم نظرخواهی در ۶ کشور از ۱۰ کشور بررسی شده، نشان می‌دهد که آنها معتقدند فلسطین بیش از اسرائیل خواستار صلح است و فقط آمریکایی‌ها معتقد بودند که اسرائیل بیشتر از فلسطین خواهان صلح است و در سال

۲۰۰۲ میزان تمایل به صلح ۷۵٪ برای فلسطین و ۶۴٪ برای اسرائیل بود و در سال ۲۰۰۴، ۷۰٪ آمریکایی‌ها اسرائیل را خواستار صلح دانسته و ۴۶٪ فلسطین را خواستار صلح معرفی کردند.

چنین جریانی در زمانهای دیگر در بعضی از کشورها مشاهده شده است. کشورهای اسکانديناوی به طور سنتی حامی یهود و اسرائیل بوده‌اند اما در سالهای اخیر وجهه اسرائیل لکه دار شده است. آمار منتشر شده توسط روزنامه معتبر برلینگس تیدند^۱ نشان می‌دهد که در سال ۱۹۸۲، ۲۸٪ جمعیت دانمارک طرفدار اسرائیل بوده و فقط ۱۴٪ حامی اعراب بودند که در سال ۲۰۰۲ نتایج برعکس شد: یعنی ۲۱٪ طرفدار اعراب و فقط ۹٪ طرفدار اسرائیل بودند. (۷۴) مورد مشابه دیگر، تحقیق سال ۲۰۰۲ روزنامه نروژی افتن پستن^۲ است که در آن ۴۴٪ طرفدار فلسطین و فقط ۹٪ طرفدار اسرائیل بودند.

مجله نووا^۳ در نوامبر ۲۰۰۱ متوجه شد که ۳۰٪ جمعیت این کشور موافق اسرائیل و ۲۱٪ مخالف بودند. در سال ۱۹۹۹ قبل از جنگ اخیر اسرائیل - فلسطین این نسبت ۴۵٪ به ۱۲٪ به نفع اسرائیل بود. طبق بررسی روزنامه ایتالیایی ایل کوریره دل‌اسرا^۴ در ژانویه سال ۲۰۰۴، ۷۵٪ پاسخ دهنده‌ها با سیاست شارون در برابر فلسطینی‌ها مخالف و ۳۶٪ موافق این نظریه بودند که: دولت اسرائیل در پی نسل کشی همه‌جانبه و دائم بوده و با فلسطینی‌ها همان برخوردی را می‌کند که نازیها با یهود کردند. (۷۵) درصد مشابه دیگری، از بمب‌گذاری‌های انتحاری علیه سیاست‌های امپریالیستی و تجاوزکارانه شارون انتقاد می‌کنند و در حالی که ۹۲٪ برای اسرائیل حق حیات قائلند ۲۸٪ آن را مشروط به تشکیل یک حکومت فلسطینی می‌دانند. نوشته‌های روشنفکران درباره پوشش خبری رسانه‌ها و افکار عمومی، نتایج پیچیده‌ای در پی داشته است اما بررسی آرای اروپایی‌ها درباره اسرائیل، جنگ اسرائیل و محتوای پوشش خبری شواهدی را درباره پیوند ممکن بین پوشش خبری و افکار عمومی ارائه می‌دهد.

1. Berlingske Tidende
2. Aftenposten
3. NOVA
4. Il Corriere della Sera



جدول شماره ۳: میزان تمایل رسیدن به صلح

میزان موافقت یا مخالفت خود را درباره این موضوع که اسرائیل یا فلسطین خواستار صلح‌اند، اعلام کنید.

موافق تمایل فلسطین به صلح			موافق تمایل اسرائیل به صلح			نظرات
						سال / کشور
-	۲۸	۳۶	۰	۳۱	۳۱	اتریش
۰	۴۶	۴۶	-	۳۴	۳۹	بلژیک
-	۳۸	۴۲	-	۲۷	۳۹	دانمارک
+	۴۸	۳۷	-	۳۹	۳۷	فرانسه
-	۲۷	۳۳	-	۲۹	۳۶	آلمان
-	۳۸	۳۳	۰	۴۰	۴۰	ایتالیا
-	۴۱	۴۲	-	۲۸	۳۳	اسپانیا
+	۳۸	۳۷	-	۲۸	۳۲	سوئیس
-	۲۹	۳۲	-	۳۳	۴۵	هلند
-	۳۷	۳۹	-	۴۹	۵۴	بریتانیا
-	۴۶	۶۴	-	۷۰	۷۵	آمریکا

منابع: اطلاعات آمریکا از گزارش مارس ۲۰۰۵ توسط انجمن صداقترا گرفته شده است.

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که در کشورهای اروپایی آنها که گزینه «خیلی زیاد» یا «زیاد» را انتخاب کرده‌اند نسبت به آنها که گزینه «کم» یا «هیچ» را انتخاب کرده بودند، احساس همدلی بیشتری با فلسطینی‌ها داشته‌اند. در ۵ کشور بلژیک، فرانسه، اسپانیا، سوئیس و بریتانیا اختلاف بین ۲ گروه بسیار قابل ملاحظه و با نسبت بیش از ۲ به یک است.

جدول شماره ۴: درخواست پوشش خبری و همدلی با فلسطینی‌ها

در جنگ کنونی اسرائیل - فلسطین، شما با کدامیک بیشتر همدردی می‌کنید؟

کشور	همدردی با فلسطینی‌ها	طرفدار پوشش خیلی زیاد یا زیاد	طرفدار پوشش کم یا هیچ
اتریش	۲۶	۳۰	۲۱
بلژیک	۳۰	۴۱	۱۹
دانمارک	۲۷	۳۳	۱۹
فرانسه	۱۷	۲۵	۱۰
آلمان	۲۱	۲۷	۱۶
ایتالیا	۱۳	۱۶	۹
اسپانیا	۲۴	۳۰	۱۶
سوئیس	۳۱	۴۱	۱۹
هلند	۲۷	۳۰	۱۹
بریتانیا	۲۴	۳۳	۱۶

منابع: برای دستیابی بیشتر به اطلاعات اروپا در سال ۲۰۰۴ جدول شماره یک را ملاحظه کنید.

د) دیپلماسی عمومی اسرائیل

۱) شکست‌ها

نحوه برخورد اسرائیل در حوزه دیپلماسی عمومی بسیار پیچیده بوده است. شیمون پرز که مدت‌ها نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه و وزیر دفاع اسرائیل بوده [و هم اکنون رئیس‌جمهور است]، معتقد است که اگر یک کشور دارای سیاست‌های خوبی باشد نیازی به روابط عمومی ندارد و اگر دارای سیاست خوبی نباشد، بهترین نوع روابط عمومی در دنیا نیز مؤثر نخواهد بود. (۷۶) اسرائیل سالهای زیادی معتقد بود که استفاده از دیپلماسی عمومی بیهوده است زیرا چنین استنباط می‌کرد که همه دنیا با آن مخالفند. در هر صورت این نظرها- هم در مرحله سیاست‌گزینی و هم در مرحله عمومی- به انحراف کشیده شده و به وجهه اسرائیل در جهان لطمه اساسی زده است، حتی یک سیاست «خوب» مثل صلح طلبی نیاز به دیپلماسی عمومی دارد تا بتواند خوب بودن و مفید بودن را به دیگران ثابت کند. علاوه بر آن دیپلماسی عمومی نه تنها باید به سیاست‌های خودی بپردازد بلکه باید با سیاست‌های دیگران نیز هماهنگی داشته باشد.

اسرائیل حتی تا چند وقت پیش، از واژه عبری «هسبارا»^۱ به معنی سخنگویی و توضیح دادن، به جای اصطلاح «دیپلماسی عمومی» استفاده می‌کرد و «دیپلماسی عمومی» را برنامه ای دفاعی همراه با پوزش‌طلبی می‌دانست. (۷۷) وزارت امور خارجه سرانجام اصطلاح «دیپلماسی عمومی» را پذیرفت اما رهبران اسرائیلی، از جمله، آنها که می‌بایست به دیپلماسی عمومی علاقه مند باشند، به ندرت آن را به عنوان موضوعی نظام مند در نظر گرفته‌اند. دولت گاهی به ارزش دیپلماسی عمومی پی برده و برای برقراری نظامی واحد و هماهنگ بین مسئولان و سازمانها تلاش کرده است اما چنین تصمیم هایی هرگز استمرار نداشته‌اند. برای مثال در آغاز جنگ اسرائیل - فلسطین در دسامبر ۲۰۰۱، رئیس شورای امنیت ملی، «هسبارا» را یکی از ۵ عامل مؤثر در جنگ با تروریسم فلسطینی به حساب آورد (همراه با تلاش در زمینه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و برنامه‌های قانونی). با اینکه بسیاری از منابع و طرفداران در دنیا به اسرائیل گفته‌اند که هیچ برنامه دیپلماسی عمومی واقعی ندارد و در برابر تلاشهای «دیپلماسی عمومی» اعراب اقدام خاصی نکرده است، باز هم اسرائیل نتوانسته دیپلماسی عمومی را به عنوان یک عامل اساسی راهبردی به کار گیرد.

جدعون میئر^۲ - معاون رسانه ای و امور ملی در وزارت امور خارجه اسرائیل - دلیل مشکلات دیپلماسی عمومی را، هم مسائل داخلی و هم مسائل خارجی می‌داند. (۷۸) دلایل داخلی عبارتند از: باز بودن جامعه اسرائیل برای پذیرش عقاید مختلف که دقیقاً عکس جامعه بسته فلسطین است که در آن هر نوع عقیده ای پذیرفته نمی‌شود، ناتوانی مسئولان در پی بردن به اهمیت دیپلماسی عمومی در امور امنیتی اسرائیل و نبود منابع. دلایل خارجی عبارتند از: پوشش خبری جناح مخالف، یهودستیزی، مخالفت با جهانی شدن و قدرت گسترده اعراب، مسلمانان و کشورهای جهان سوم در سازمانهای بین‌المللی. میئر همچنین معتقد است که چهره اسرائیل در کشورهای خارجی بیشتر «حادثه ساز» بوده تا «بحث انگیز» به عبارت دیگر جریان‌های صلح‌طلب سبب ایجاد چهره‌ای مثبت و جریان‌های خشونت طلب چهره‌ای منفی را به وجود می‌آورند، اگرچه شواهد WSI چنین مورد خاصی را تأیید نمی‌کنند. ران کیتری^۳ سخنگوی ارتش اسرائیل علت شکست دیپلماسی عمومی را پوشش خبری نادرست و عدم تمایل اسرائیل به پخش تصاویری از قربانیان حملات تروریستی می‌داند، اگرچه فلسطینیان این کار را انجام می‌دهند. (۷۹)

بعضی از افراد علت شکست اسرائیل در دیپلماسی عمومی را مسائل داخلی می‌دانند. زوی مازل - دیپلمات عالی رتبه - دیپلماسی عمومی اسرائیل را «عکس‌العمل‌ها و پوزش‌طلبی‌های بعد از موعد» می‌داند و

1. Hasbara
2. Gideon Meir
3. Ran Kitrey

البته معتقد است که همیشه اینطور نبوده است. (۸۰) او سیاستهای اسراییل در این موارد را این گونه مورد انتقاد قرار می‌دهد: بلافاصله بعد از اسلو، دپارتمان اطلاعات وزارت امور خارجه متوقف شد و از آنجا که اسراییل در مسیر صلح قرار داشت، نیازی به ادامه توضیح در مورد سیاست‌هایمان وجود نداشت، اما متأسفانه جناح مخالف ایده دیگری داشت و تبلیغات خود را ۲ برابر کرد. به نظر او این تلاش منجر به پذیرش گزارش‌های فلسطینی‌ها توسط جهان و اتحاد جناح‌های افراطی و میانه رو در اروپا علیه اسراییل شده است. دن دایکر^۱ نیز شکست دیپلماسی عمومی را به سیاست‌های دولت وحدت ملی اخیر اسراییل نسبت می‌دهد. به اعتقاد او وزیر امور خارجه - پرز - دیپلماسی عمومی را متوقف کرد زیرا آن را پذیرش شکست در جریان صلح اسلو می‌دانست. (۸۱) در اولین سال جنگ اسراییل - فلسطین، پرز، عرفات را دوست قابل اعتمادی می‌دانست و او و تشکیلات خودگردان فلسطین را مسئول مبارزات تروریستی نمی‌دانست.

منتقدان زیادی توجه خود را بر بحث‌ها و مذاکرات اسراییل متمرکز کرده‌اند. برای مثال استفنز^۲ اذعان کرده است که مذاکره‌کننده‌های اسراییل اغلب سررشته کار را از دست می‌دهند، بحث‌هایشان را پیچیده، موضوع‌ها را با هم ادغام و از پیامهای اشتباه به ضرر خود استفاده می‌کنند و قادر به مقابله با مذاکره‌کننده‌های فلسطینی از قبیل حنان عشراوی^۳ و نبیل شمت^۴ نیستند. (۸۲) فلسطینی‌ها پیامهای خود را بسیار واضح و آشکار پخش می‌کنند - پایان دادن به اشغال و موافقت با تشکیل یک دولت فلسطینی در سراسر کرانه غربی و غزه - ولی پیامهای اسراییلی‌ها پیچیده و متناقض‌اند.

اگرچه اسراییل با جدیت به بحث درباره مرزهای نهایی، تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی، موقعیت بیت‌المقدس و اعمال فشار می‌پردازد اما فقط قادر به تولید پیامهایی گیج‌کننده، ناهماهنگ و ناپایدار است. این کشور همیشه توسط دولتهای ائتلافی اداره شده که در آن وزرای کابینه، رهبران مستقل جناح‌ها بوده و اغلب درباره جنگ اسراییل - فلسطین از زوایای متفاوت و گاهی متناقض صحبت می‌کنند. در دوره‌هایی که اسراییل توسط دولت وحدت ملی اداره می‌شود، این موضوع مشکل‌آفرین‌تر شده، همان طور که در بیشتر دوره‌های جنگ اسراییل - فلسطین نیز چنین بوده است.

اگرچه دولت‌های وحدت ملی به اتحاد گروههای داخلی برای جنگ کمک کرده‌اند ولی این امر به قیمت ارائه پیامهای ضد و نقیض توسط گروههای مخالف تمام می‌شود. فرانک لونتز^۵ - متخصص روابط عمومی -

1. Dan Diker
2. Stephens
3. Hanan Ashrawi
4. Nabil shaat
5. Frank Luntz

معتقد است سیاستمداران اسرائیل از رسانه‌ها فقط برای حمله به دشمنانشان استفاده می‌کنند لذا وقتی که این بیانیه‌های انتقادی به خارج گزارش می‌شوند به شهرت و اعتبار اسرائیل آسیب می‌رسانند. (۸۳)

در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ وقتی که حسابرس کل^۱ سیستم حسابراه فعالیت‌های دفتر نخست‌وزیر، وزرای امور خارجه و دفاع و IDF وزارت امنیت عمومی و پلیس و سازمانهای اطلاعاتی را مورد بررسی قرار داد. (۸۴) نتایج کار بسیار انتقادآمیز بود. بررسی کنندگان به این نتیجه رسیدند که اگرچه دولت، حسابراه را به عنوان ابزاری مهم در سیاست خارجی به ویژه در جنگ اسرائیل - فلسطین به حساب می‌آورد ولی این سیستم نتوانست در برابر تبلیغات اعراب و فلسطینی‌ها کاری از پیش ببرد. در گزارشی که از نتایج بررسی تهیه شد، علت شکست را فقدان رهبر و هماهنگ کننده فعالیت‌های ملی حسابراه عدم هماهنگی بین وزرا و سازمانهای مربوط به حسابراه، فقدان برنامه‌ها و راهبردهای حسابراه و نبود منابع و مراجع کافی ذکر کرده‌اند. گزارش این بررسی، «تبلیغات اعراب» را «تهدید راهبردی» دانسته و گسترش «دیپلماسی عمومی» را پیشنهاد می‌کند که حاوی مفهوم، ساختار و مراجع مناسب و از همه مهمتر، انتخاب رهبری واحد برای اجرای برنامه است. علاوه بر آن، این گزارش ایجاد یک مکانیسم دیپلماسی عمومی برای مقابله با دنیای عرب را توصیه می‌کند. علی‌رغم انتقادهای شدید، این دولت در طی ۴ سال گذشته اقدام‌های بسیار ناچیزی را برای تکمیل اصول این گزارش، صورت داده است.

مانع بزرگ اسرائیل برای به کارگیری یک دیپلماسی عمومی کارآمد، انتقاد شدید برخی از اسرائیلی‌ها به سیاست‌های آن و حمایت جدی آنها از فلسطینی‌ها در داخل و خارج است. از جمله این منتقدان عبارتند از: رادیکالها، سازمان‌های حقوق بشر و هرج و مرج طلب‌هایی نظیر گوش شالوم^۲، زنان سیاه پوش، حاخام‌های طرفدار حقوق بشر، بتسلیم^۳، شعبه‌های محلی پزشکان بدون مرز و عفو بین گروه‌های مختلفی از سربازان اسرائیلی، ارتش اسرائیل را به «جرائم جنگی» متهم کرده و از همکاران خود خواسته‌اند که از خدمت در نظام خودداری کنند. روزنامه اسرائیلی هآرتص^۴ خبرنگار تمام وقت - جدعون لوی^۵ و امیراهاس^۵ - را استخدام کرده است تا گزارش‌هایی از جنگ اسرائیل - فلسطین از نقطه نظر فلسطینی‌ها را تهیه کنند. به نظر می‌رسد این تنها مورد در تاریخ مدرن یک روزنامه معتبر است که خبرنگارانی برای جمع‌آوری ادعاها و آرای دشمن در

1. State Comptroller
2. Gush Shalom
3. Betzlem
4. Gideon Levi
5. Amira-Hass



زمان جنگ برای انتشار استخدام می‌کند. نسخه انگلیسی روزنامه هآرتس مرجع اصلی گزارشگران خارجی است.

اسرائیلی‌های مقیم خارج نیز به اسرائیل حمله و از فلسطینی‌ها دفاع می‌کنند. عده کمی از جمله دانیل مکوور^۱، که در حال حاضر ساکن لندن است، سعی دارند افسران عالی رتبه اسرائیلی (که به خارج سفر می‌کنند) را به علت «جرایم جنگی» تحت پیگرد قرار دهند. (۸۵) در سال ۲۰۰۴ درور فیلر^۲ که هم اکنون ساکن استکهلم است یک اثر هنری تهیه کرد که تروریسم فلسطینی را ستایش می‌کرد و موزه آثار ملی سوئد آن را به نمایش گذاشت. (۸۶)

دانشگاهیان سابق اسرائیل که هم اکنون در بریتانیا اقامت دارند نیز در تصمیم انجمن اساتید دانشگاه‌های انگلیس (AUT) برای تحریم ۲ دانشگاه اسرائیلی مؤثر بوده‌اند. این انجمن نقض آزادی‌های دانشگاهی را علت تحریم اعلام (۸۷) و فقط وقتی که با احکام دادخواهی تهدید شد، تصمیم خود را لغو کرد و متوجه شد که ایلان پاپه^۳ با ارائه اطلاعات غلط درباره وضعیت علمی خود در دانشگاه حیفا انجمن را دچار اشتباه کرده است.

۲) راهکارها

با تخریب وجهه اسرائیل در دنیا و تهدیدهای راهبردی که موجودیت آن را به خطر می‌اندازند، اسرائیل باید شیوه «دیپلماسی عمومی» خود را به کلی تغییر دهد. اصلاح سیستم دیپلماسی عمومی نیازمند تلاشهای عظیم هماهنگ کننده ای است که ممکن است سالها به طول انجامد و اولین گامها باید از سوی دفتر نخست وزیر و وزارت امور خارجه برداشته شوند.

۱-۲) کارکرد دولت

اولین مرحله کار باید از سوی دولت به ویژه نخست وزیر شروع شود تا به ارزش بی‌توجهی به قدرت نرم و دیپلماسی عمومی پی ببرد. برنامه ریزی‌های راهبردی باید آثار هر اقدام سیاسی یا نظامی بر وجهه ملی را ارزیابی کنند و اگر این اقدامها از اهمیت زیادی برخوردارند باید آنها را مورد بازنگری قرار داد و اصلاح کرد. جهان غرب از اسرائیل انتظار دارد خود را به بالاترین درجه استانداردهای رفتاری برساند ولی از فلسطینی‌ها و

1. Daniel machover
2. Dror Feiler
3. Ilan Pappe

اعراب چنین توقمی را ندارد. اسرائیل باید استاندارد دوگانه را به نمایش گذاشته و همچنین آن را در اجرای سیاست خود در نظر بگیرد. یک راهبرد عالی باید در برگیرنده همه اجزای دیپلماسی عمومی اعم از «قدرت نرم» و «قدرت سخت» برای تکمیل فعالیت‌ها باشد.

تمام پیشنهادهایی که در گزارش حسابرس کل در سال ۲۰۰۲ وجود داشت باید اجرا شوند. مناسب‌ترین نهاد برای ایجاد هماهنگی و اجرای دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه است اما به این علت که وزرای امور خارجه در گذشته موفق به پیگیری دیپلماسی عمومی نشدند، به ظاهر نخست‌وزیرها باید مراحل اولیه برنامه را اجرا کنند. احتمال دارد که تغییرات سازمانی در سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های اسرائیل به وجود آید و تمام سفارتخانه‌ها به طور اساسی فعالیت‌های دیپلماسی عمومی خود را افزایش دهند و شخص دیگری نیز باید برای هماهنگ کردن فعالیت‌ها و سرپرستی مسئولان در قسمتهای مختلف دیپلماسی عمومی نظیر ارتباط با رسانه‌ها در امور عمومی، فرهنگی، دانشگاهی، تروریسم و غیره منصوب شود.

۲-۲) آموزش حرفه‌ای

دیپلماسی تنها موقعی مؤثر خواهد بود که توسط متخصصان واجد شرایط اجرا و هماهنگ شود. تمام اعضای بخشهای خدمات خارجی اسرائیل، نمایندگان اسرائیل در خارج و کارکنان وزارت امور خارجه و امور دفاعی، باید در زمینه «دیپلماسی عمومی» تحت آموزش دقیق قرار گیرند. آنها باید یاد بگیرند که چگونه با رسانه‌ها ارتباط مفید برقرار کنند، به مخاطبان رادیو و تلویزیون توجه کنند، مخاطبان را بیابند و در برابر گروه‌های مخالف یا بی طرف صحبت کنند. دیپلماسی عمومی نوین، به گسترش منابع انسانی نیاز دارد. دانشگاه‌های اسرائیل باید برنامه‌های علمی درازمدت در زمینه دیپلماسی عمومی علمی و برنامه‌های فشرده کوتاه مدتی را برای کارکنانی که در شغل‌های وابسته به روابط خارجی در وزارتخانه‌ها و سازمانها فعالیت دارند، تهیه کنند.

۲-۳) متمرکز شدن بر جهان عرب و اروپا

اسرائیل ابتدا باید جهان عرب و اروپا را در جایی که وجهه اسرائیل بسیار ضعیف است مورد توجه قرار دهد. اسرائیل در خاورمیانه واقع شده است و باید بدبینی‌های رایج درباره تاریخ، جامعه و دموکراسی خود را اصلاح و عدم تمایل خود به همزیستی مسالمت آمیز در دنیای عرب را تکذیب کند. از آنجا که شبکه‌های خبری عرب‌زبان مانند الجزیره و العربیه در گزارش‌های خود درباره اسرائیل و جنگ اسرائیل - فلسطین مفرضانه عمل می‌کنند باید تلاش کرد توجه آنها به ارائه برداشت‌های اسرائیل از جنگ و وقایع مختلف و

داستانهایی دربارهٔ دیگر زوایای زندگی اسرائیلی‌ها سوق داده شود. موضع اروپا، در سیاست خارجی اسرائیل، به خاطر اهمیت آن برای اتحادیه اروپا و نیاز فوری به کاهش دیدگاههای منفی و ضدیهود، تعیین کننده است.

تسلط بر زبان، فرهنگ و هنجارهای عربی در کسب موقعیت برای ورود به شبکه‌های تلویزیونی عربی بسیار حائز اهمیت است. الجزیره اغلب با اعراب اسرائیلی، سیاستمداران و رهبران عرب زبان مصاحبه می‌کند اما مسئله این است که اعراب اسرائیلی که برای مصاحبه انتخاب می‌شوند وجهه اسرائیل را منفی جلوه می‌دهند و این امر تاندازه‌ای به افراطی بودن آنها مربوط می‌شود و علت دیگر این است که آنها از شبکه‌های عربی استفاده می‌کنند تا با هم پیمانان عرب زبان خود صحبت کنند. اسرائیل باید یهودیهای اسرائیلی عرب زبان زیادی را آموزش داده و آماده کند تا بتوانند پاسخهای اسرائیل به مسائل روز را به نحو احسن ارائه کنند و آنها را در جایگاه اجتماعی و سیاسی مناسبی قرار دهند. شبکه‌های عربی ممکن است تمایل داشته باشند صدای اسرائیلی‌ها را پخش کنند تا نشان دهند که گزارش‌هایشان عادلانه است. اسرائیل باید به تأسیس شبکه‌های ماهواره ای و رادیویی به زبان عربی اقدام کند تا برنامه‌هایی را برای پخش در خاورمیانه و جامعه عرب در سراسر دنیا داشته باشد. برنامه فارسی رادیو اسرائیل نمونه بسیار قابل اعتماد و موفق برای آن شبکه‌هاست.

منتقدان، به لزوم تغییر جهت و محتوای دیپلماسی عمومی اسرائیل اعتقاد دارند. برت استفنز^۱ می‌گوید: اعراب آن قدر واقعیات بنیادین تاریخی جنگ را تغییر داده‌اند که نیاز به یک «طرح اصلاحی» یعنی تلاش برای یادآوری واقعیات تاریخی احساس می‌شود. برای مثال علت اشغال سرزمین‌های عربی در جنگ شش روزه این بود که اعراب جنگ را آغاز کردند. (۸۸) مکس سینگر^۲ از همین ایده برای عقب نشینی از غزه در سال ۲۰۰۵ بهره می‌گیرد. وی معتقد است که سخنگوهای اسرائیلی می‌بایست اولین ادعای فلسطینی‌ها در مورد مالکیت غزه را تکذیب می‌کردند. (۸۹) ناخمن شای^۳ خبرنگار و سخنگوی چند سازمان اسرائیلی نظیر ارتش اسرائیل معتقد است؛ بزرگترین پیروزی فلسطینی‌ها و در نتیجه بزرگترین شکست اسرائیل جدا کردن جنگ اسرائیل - فلسطین از ریشه‌های تاریخی آن است. بنابراین او معتقد به مبارزات درازمدت برای توضیح جنگ ما با اعراب - و تا اندازه‌ای جهان اسلام - درباره اصطلاحات جغرافیایی، مذهبی و فرهنگی است. (۹۰) مسئله اصلی این است که اسرائیل چگونه می‌تواند این راهبرد را علیه رسانه‌های دشمن و نخبگان خردمند آنها بکار گیرد؟

1. Bret Stephens
2. Max Singer
3. Nachman Shai

۴-۲) دیپلماسی عمومی مجازی

اسرائیل یک ابرقدرت در فناوری است ولی از نظر دیپلماسی عمومی مجازی ضعیف است. تعداد پایگاه‌های اینترنتی وزارتخانه‌ها و سازمانهای رسمی مختلف برای ارائه مطالب محدود است. آنها حتی گاهی پیام‌های متفاوت و متناقضی را تهیه می‌کنند و جز زبان عبری و انگلیسی از زبان دیگری استفاده نمی‌کنند و به همین دلیل نمی‌توانند با پایگاههای اینترنتی وسیع ضداسرائیلی به زبان عربی مقابله کنند. اعراب و مسلمانان برای تخریب وجهه اسرائیل تمام پایگاههای اینترنتی را از تبلیغات ضدیهود به زبان انگلیسی و سایر زبانها پر کرده‌اند و اسرائیل نتوانسته است با استفاده از اینترنت در مقابل حمله‌های دشمن مقاومت و جایگاه اینترنتی خوبی کسب کند. در این زمینه باید تلاشهای بیشتری صورت گیرد.

۵-۲) تأمین هزینه‌ها

یک برنامه جدید و عمده دیپلماسی عمومی به هزینه‌های اساسی نیاز دارد. بودجه سالانه کنونی که ۹ میلیون دلار است به هیچ وجه کافی نیست و اسرائیل باید منابع مالی دیپلماسی عمومی را تا حد زیادی افزایش دهد. بودجه مناسب برای سال‌های اولیه حداقل باید ۱۰ برابر سطح مصرف باشد ولی اگر استفاده درست از آن نشود افزایش هزینه بی نتیجه خواهد بود. بنابراین روش صحیح در اقدام‌های کاربردی جدید، تخمین هزینه‌ها و درخواست هزینه برای انجام آنها است.

۶-۲) بازگویی برنامه‌های دیپلماسی عمومی غیردولتی

اقدام‌های بخش خصوصی و دولتی نشان داده‌اند که یک کشور نباید فقط متکی به برنامه‌های دیپلماسی عمومی دولتی باشد. سازمانهای غیردولتی زیادی به دیپلماسی عمومی اسرائیل کمک‌های شایانی کرده‌اند. کمیته بررسی صحت گزارش‌های مربوط به خاورمیانه در آمریکا^۱ و خبرنگاری صادقانه^۲ رسانه‌های آمریکا را بررسی می‌کنند و به تازگی یک شعبه بریتانیایی را افتتاح کرده‌اند.^۳ (۹۱) مؤسسه بررسی رسانه‌های خاورمیانه^۳ و مؤسسه نظارت بر رسانه‌های فلسطینی^۴ نیز گزارش‌های فلسطینی و عرب را بررسی می‌کنند. (۹۲) تأثیر این

1. CAMERA
2. Honest Reporting
3. MEMRI
4. PMW

بررسی‌ها مورد بحث قرار گرفته است. (۹۳) مبارزه "CAMERA" با تعصبات ضداسرائیلی در پوشش خبری رادیو سراسری ملی (NPR) موفقیت‌آمیز بوده است. (۹۴) اگر CAMERA مداخله نمی‌کرد، تخریب نظام‌مند NPR و سایر رسانه‌ها، وخیم‌تر می‌شد. مرکز امور عمومی اورشلیم با اذعان ملی به اهمیت «قدرت رسانه‌ای» {در جهان امروز} و رفتار ناعادلانه و تبعیض‌آمیز سازمانهای غیردولتی از قبیل دیدبان حقوق بشر با اسرائیل، نهادی به نام انجمن نظارت بر سازمانهای غیردولتی را برای مقابله با چنین سوءاستفاده‌هایی در حق اسرائیل تأسیس کرد. (۹۵)

۲-۷) نشان‌گذاری

متخصصان روابط عمومی آمریکا، خواستار تغییر در دیپلماسی عمومی اسرائیل‌اند که در آن توجه افراد را از جنگ اسرائیل- فلسطین به سایر قسمت‌هایی که مورد توجه نبوده است جلب کنند. آنها تلاش کرده‌اند، نشان دهند این روش عملی است. این متخصصان از طریق نظام ارزیابی جدید نظرهای مختلف درباره اسرائیل را ارزیابی کردند و متوجه شدند که آمریکایی‌ها، اسرائیل را خشن، جنگ‌طلب، سختگیر و خطرناک می‌دانند. (۹۶) مسئله این است که آیا امکان دارد توجه افراد را از سیاست و خشونت جنگ اسرائیل- فلسطین به سوی زندگی فرهنگی، هنر و صنایع پیشرفته اسرائیل سوق داد؟

برخی از اقدام‌های آمریکایی‌ها بر این اساس شکل می‌گیرند که اگر انجام کاری بسیار مشکل باشد می‌توان کارهای فرعی‌تری را انجام داد. مؤسسه «اسرائیل در قلب‌ها»^۱ جلساتی را برای جوانان اسرائیلی در آمریکای شمالی، جنوبی و اروپا سازماندهی می‌کند. (۹۷) آنها درباره زندگی روزمره در اسرائیل صحبت می‌کنند و بدین طریق به موضوع‌هایی می‌پردازند که در تلویزیون نشان داده نمی‌شوند. علاوه بر آن، این مؤسسه، اسرائیلی‌های سیاه پوست را از اتوبویی برای سخنرانی در کلیسای سیاه پوستان می‌آورد و مسابقات بسکتبال بین تیم‌های اسرائیل و آمریکا برگزار کرد. گروه دیگری به نام «اسرائیل ۲۱ سی» واقع در سیلیکون ولی^۲ بر پیشرفت‌های فناوری و علمی اسرائیل در جهت حفظ و نجات جان انسان‌ها در جهان تمرکز دارد. (۹۸) این گروه اعتباری را برای تهیه ۲ هزار و ۵۰۰ داستان برای ایجاد چهره‌های مثبت از اسرائیل و اسرائیلی‌ها در ۴ سال اخیر دریافت کرده است. «پروژه اسرائیل» که در مارس ۲۰۰۲ شکل گرفت از ترکیب ارتباط راهبردی و

1. IAH
2. Silicon Valley

تعبیر وجهه بهره می‌گیرد و با متخصصان روابط عمومی و مراکز ارشادی برای شناسایی نقاط ضعف همکاری کرده و راهبردهایی را برای بهبود وجهه اسرائیل تعیین و کنفرانس‌هایی را تشکیل داده و اداره می‌کند، بدین منظور که به طرفداران آموزش دهد از چه زبانی برای معرفی اسرائیل استفاده کنند و چه طور درباره موضوع‌هایی غیر از جنگ اسرائیل - فلسطین مطلب بنویسند. (۹۹) اسرائیل از حمایت خوبی در جوامع مسیحی و یهودی در دنیا برخوردار است و باید برای پیشبرد فعالیت‌های مربوط به دیپلماسی عمومی از آنها حداکثر استفاده را بکند.

۲-۸) افزایش سطح آگاهی داخلی

یک مرکز خصوصی اسرائیلی - آمریکایی کمک‌هایی را به منظور آموزش مردم درباره چگونگی تخریب یک مرکز خصوصی اسرائیل در خارج و نیاز به دیپلماسی تهاجمی ارائه کرده است. در سال ۲۰۰۴ شبکه ۲ تلویزیون اسرائیل، با همکاری IAH یک برنامه واقعی پربیننده به نام «سفیر» را تولید کرد و طی آن، ۱۴ شرکت‌کننده شامل ۷ مرد و ۷ زن برای به دست آوردن موقعیت شغلی تحت عنوان افسران غیررسمی دیپلماسی عمومی اسرائیل در IAH واقع در نیویورک به رقابت پرداختند. ابتدا وزیر امور خارجه از این برنامه انتقاد کرد ولی موفقیت برنامه در جهت آموزش اهمیت دیپلماسی عمومی به مردم، سبب جلب توجه بیشتر مسئولان و درخواست آنها برای تأمین منابع شد. تمام این برنامه‌ها و اقدام‌ها مهم و جالب‌اند اما بیشتر در آمریکا اجرا می‌شوند در صورتی که چالش‌های اسرائیل بیشتر مربوط به دنیای عرب و اروپا است، لذا نمی‌توان از آنها به جای یک برنامه رسمی دیپلماسی عمومی استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

اگرچه گاهی انتقادهای قانونی و منطقی به سیاستها و اقدام‌های اسرائیل وارد است اما حمله به اعتبار و حق حیات اسرائیل، گذشتن از مرز انتقاد قانونی و منطقی است. اسرائیل نه «بدترین» کشور دنیا و نه نازی است و از تاکتیک‌های مشابه نازیها نیز علیه فلسطین استفاده نمی‌کند. اسرائیل کشوری نژادپرست، ناقض حقوق بشر، مجرم و تهدیدکننده صلح در خاورمیانه یا جهان نیست ولی مردم این اقدام‌ها را به اسرائیل نسبت می‌دهند. اسرائیل بیش از هر کشور دیگری در دنیا به دیپلماسی عمومی قوی و منطبق بر دانش جدید و تجربه عملی دیپلماسی عمومی نوین نیاز دارد.

یهودی‌ها حق استقلال دارند و باید مانند سایر مردم دارای کشور باشند. سلب حق حیات از اسرائیل یعنی روا داشتن تبعیض علیه اسرائیل و منزوی کردن آن کشور برای برخوردهای خاص. اسرائیل باید برای اعاده حق حیات خود همان کاری را انجام دهد که جهان یهود در مقابله با تکذیب هولوکاست کرد. بحث‌های مربوط به تکذیب هولوکاست نامشروع انگاشته می‌شوند و در بعضی از کشورها غیرقانونی بوده و در ردیف جرایم جنایی قرار می‌گیرند. زیر سؤال بردن حق حیات اسرائیل نیز مانند تکذیب هولوکاست، با حق آزادی بیان فرق دارد. اسرائیل نباید درباره حق حیات خود با دیگران مذاکره کند و باید از منکران این امر حقوق شهروندی را سلب کند.

اکثر قطعنامه‌ها و اقدام‌های سازمان ملل علیه اسرائیل و جنگ اعراب-اسرائیل یک جانبه و حتی در بعضی موارد مسخره و بی‌معنی بوده‌اند. به سبب این عملکرد، اسرائیل به نقش مهم سازمان ملل در سال‌هایتمادی توجهی نداشته است ولی دیگر نمی‌تواند چنین کند. با اینکه سازمان ملل سازمانی خراب، بی‌اثر و غیرانسانی بوده است، به دلیل فقدان سازمان جایگزین، اکثر مردم دنیا آن را قانونی و دارای هنجارهای بین‌المللی می‌دانند. به همین دلیل است که بحث‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل و سازمان‌های وابسته به آن مهم ارزیابی می‌شوند. اسرائیل باید توجه بیشتری را به مبارزه نظام مند در سازمان ملل برای تعدیل قطعنامه‌ها و اقدام‌های آن نشان دهد، اگرچه ممکن است این مبارزه نتیجه رضایت بخشی نداشته باشد. راه حل راهبردی این است که سوء استفاده‌های سازمان ملل را نشان داده و شهرت و وجهه آن را خراب کند. این راهبرد در ۲ دهه اخیر بکار گرفته شد و نتایج محدود ولی مؤثری مانند لغو برابری صهیونیسم باراسیسم (نژادپرستی) را به دنبال داشت.

بسیار عجیب است که هیچ روشنفکری کتاب مشخصی درباره سازمان ملل و اسرائیل ننوشته است. رسانه‌های غربی انتقادهای وارد بر اسرائیل و سیاست‌های آن را پذیرفته‌اند و از فلسطینی‌ها و اعراب حمایت می‌کنند. اعتراض‌های اسرائیل علیه رسانه‌های خارجی، در اسرائیل معتبر است، اما با این وجود اسرائیل نمی‌تواند اصول دموکراتیک خود را به سبب سوء استفاده‌های نظام مند خبرنگاران تغییر دهد. رهبران اسرائیل و مسئولان رسانه‌ها باید بدانند که چطور با گزارش‌های رسانه‌های دشمن برخورد کنند.

اسرائیل باید یک گروه متخصص و مسلط به زبان‌های مختلف را برای ارائه پاسخهای منطقی، قانع‌کننده و فوری به رسانه‌ها تشکیل دهد. چون واکنش سریع خبرنگاران در پخش گزارشها انتقاد آمیز خواهد بود، لذا بهتر است سخنگوها در پی غلطگیری سریع و صحیح باشند. در آمریکا، بریتانیا و قسمت‌هایی از جهان

عرب، دپارتمانی برای بررسی صحت و سقم گزارشها وجود دارد ولی در بعضی از قسمت‌های جهان چنین بخشی وجود ندارد. دولت باید امتیاز تحقیقات و عضویت را به محققینی بدهد که در زمینه پوشش خبری اسرائیل در دنیا مطالعه می‌کنند و از یافته‌های آنان می‌توان در جهت انتقاد از خبرنگارانی که گزارش‌های نادرست جمع‌آوری کرده‌اند، استفاده کرد.

همان‌طور که این مطالعه و سایر مطالعات نشان داده‌اند، شهرت و وجهه اسرائیل در آمریکا بسیار مطلوب است. رئیس‌جمهورها، کنفرانس‌ها و عموم مردم با جدیت از اسرائیل حمایت می‌کنند و این حمایت بلندمدت بعد از حمله‌های تروریستی ۱۱ سپتامبر قوت پیدا کرد. این امر می‌تواند به علت جایگاه قوی آمریکا در دنیا باشد اما از زمان جنگ عراق موقعیت آمریکا در جهان ضعیف شد و به همین دلیل گاهی برای جلب حمایت جهان عرب و اروپا، به حقوق اسرائیل بی‌توجهی می‌کند. به همین دلیل اسرائیل باید در جهان عرب و اروپا محبوبیت بدست آورد. نقش آسیا نیز در دیپلماسی عمومی مهم و مؤثر است زیرا احتمال می‌رود کشورهایی از قبیل چین، هند و ژاپن در آینده نقش مهم تری را در دنیا ایفا کنند.

اسرائیل، اصولاً به دیپلماسی عمومی و قدرت نرم بی‌توجه بوده و برای مقابله با اعراب و فلسطینی‌ها از خشونت استفاده کرده است ولی بیش از این، نسبت به چنین ابزارهای مهمی در سیاست خارجی بی‌توجهی می‌کند. اسرائیل باید یک برنامه دیپلماسی عمومی نوین را به کار گیرد و برای مقابله با تهدیدهای حال و آینده، ترکیبی از «قدرت نرم» و «قدرت سخت» را به کار گیرد. اسرائیل نمی‌تواند متکی به اقدام‌های خصوصی محدود و پراکنده باشد بلکه باید طرح دیپلماسی عمومی جدیدی را تدارک ببیند. فقدان یک برنامه دیپلماسی عمومی مناسب، بر آزادی عمل و دیدگاه راهبردی اسرائیل اثر گذاشته است. آریل شارون به دلیل ترس از راه حل‌های تحمیلی جوامع بین‌المللی برای جنگ اسرائیل - فلسطین که در آن به امنیت و حکومت اسرائیل لطمه وارد خواهد کرد، تصمیم به عقب‌نشینی از نوارغزه و قسمت‌هایی از کرانه‌باختری گرفت.

هرگونه بی‌توجهی دیگر نسبت به دیپلماسی عمومی نه تنها موقعیت راهبردی اسرائیل را محدود می‌کند بلکه ادامه حیات آن را در دنیایی که معتقد به نابودی منافع یا حتی موجودیت اسرائیل است به مخاطره می‌اندازد. آنها معتقدند برای پایان دادن به درگیری‌های بین جهان غرب و اصولگرایی اسلامی، نابودی اسرائیل چندان اهمیتی ندارد.

- 1- See article by Gerald Steinberg in this volume.
- 2- Ghassan Khatib, 'Avoiding the Spin', Bitterlemons.org, No. 42, 17 November 2003.
- 3- Chris Galloway, 'Hot Bullets, Cool Media: The Middle East High Stakes MediaWar', Journal of Communication Management, Vol. 9 (2005), pp. 233–245.
- 4- Nashat A. Aqtash, 'Palestinian National Authority's Public Relations Policies Relating to Israel: Current Attitudes among Palestinian Officials and Media Experts', Public Relations Review, Vol. 31 (2005), pp. 376–380.
- 5- Ron Schleifer, 'Jewish and Contemporary Origins of Israeli Hasbara', Jewish Political Studies Review, Vol. 15 (2003), p. 123.
- 6- Barry Rubin, 'Unwinnable War of Words', Jerusalem Post, 1 April 2003.
- 7- Moshe Yegar, The Hasbara Work of the Foreign Ministry, Jerusalem, 1984 (Hebrew); The History of Israel's External Hasbara System, Jerusalem, 1986 (Hebrew); Meron Medzini, 'Hasbara: Scapegoat or Innocent Ewe', Kyvunim, Vol. 5 (2001), pp. 122–132 (Hebrew); Yochanan Manor, 'Integrating Hasbara into Policy', Jerusalem Quarterly (1984), pp. 25–39, at p. 33; Dani Naveh, Governmental Hasbara: It Can Be Done Differently, Jerusalem, 1995 (Hebrew); Ron Schleifer, Psychological Warfare in Israel, Ramat-Gan, BESA Center for Strategic Studies, 2002 (Hebrew).
- 8- For an elaboration of the index, see Eytan Gilboa, Public Diplomacy: Building a Field of Study, Los Angeles: Center on Public Diplomacy, University of Southern California, forthcoming.
- 9- Gifford Malone, 'Managing Public Diplomacy', Washington Quarterly, Vol. 8 (1985), p. 199.
- 10- Eytan Gilboa, 'Mass Communication and Diplomacy' Communication Theory, Vol. 10 (2000), pp. 290–294; 'Diplomacy in the Media Age: Three Models of Uses and Effects', in C. Jo" nsson and R. Langhorne (eds.), Diplomacy, Vol. III, London, 2004, pp. 96–119.

- 11- Rhiannon Vickers, 'The New Public Diplomacy: Britain and Canada Compared', *British Journal of Politics and International Relations*, Vol. 6 (2004), pp. 151-168.
- 12- Gilboa, *Public Diplomacy: Building a Field of Study*.
- 13- Joseph S. Nye, Jr., *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York, 2004, pp. x, 5-11, 32.
- 14- Jozef Ba'tora, 'Public Diplomacy in Small and Medium-Sized States: Norway and Canada', *Discussion Paper in Diplomacy 97*, Hague, Netherlands Institute of International Relations, Clingendael, 2005. See also Jan Melissen (ed.), *New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations*, New York, 2006.
- 15- Nye, *Soft Power: The Means to Success in World Politics*.
- 16- John Arquilla and David Ronfeldt, *The Emergence of Noopolitik: Toward an American Information Strategy*, Los Angeles, 1999.
- 17- *Ibid.*, pp. 38, 44.
- 18- James E. Grunig, 'Public Relations and International Affairs', *Journal of International Affairs*, Vol. 47 (1993), pp. 137-162; Christopher Ross, 'Pillars of Public Diplomacy', *Harvard International Review*, Vol. 25 (2003), pp. 22-28.
- 19- Peter Van Ham, 'The Rise of the Brand State: The Post Modern Politics of Image and Reputation', *Foreign Affairs*, Vol. 80 (2001), pp. 1-9 (Internet edition); Jack Yan, 'Branding and the International Community', *Journal of Brand Management*, Vol. 10 (2003), pp. 447-456 (www.foreignaffairs.org).
- 20- Daniel W. Drezner and Henry Farrell, 'Web of Influence', *Foreign Policy* (2004), pp. 32-40.
- 21- Maura Conway, 'Terrorist Websites: Their Content, Functioning and Effectiveness', in P. Seib (ed.), *Media and Conflict in the Twenty-first Century*, New York, 2005, pp. 185-215. 744 ISRAEL AFFAIRS
- 22- Ali Akbar Dareini, 'Iranian wants Israel "Wiped off the Map"', *New York Sun*, 27 October 2005.
- 23- Daniel Pipes, 'Iran's Final Solution Plan', *New York Sun*, 1 November 2005.
- 24- Amnon Rubinstein, 'A World without Israel', *Jerusalem Post*, 16 November 2005.



- 25- Cited in Winston Pickett, 'Nasty or Nazi? The Use of Anti-Semitic Topoi by the Left-Liberal Media', in P. Igansky and B. Kosmin (eds.), *A New Antisemitism? Debating Judeophobia in the 21st Century*, London, 2003, p. 4, available at <http://axt.org.uk>.
- 26- Jacqueline Rose, *The Question of Zion*, Princeton, 2005; John Rose, *The Myths of Zionism*, London, 2004.
- 27- Tony Judt, 'Israel: The Alternative', *The New York Review of Books*, 23 October 2003; 'Goodbye to All of That?' *The Nation*, 3 January 2005.
- 28- Ofira Seliktar, "'Tenured Radicals" in Israel: From New Zionism to Political Activism', *Israel Affairs*, Vol. 11 (2005), pp. 717-736; Edward Alexander, 'Israeli Intellectuals and Israeli Politics', *World Affairs*, No. 159 (1997), pp. 95-100.
- 29- Edward Alexander, 'Suicide Bombing 101', *The American Spectator*, Vol. 36 (2003), pp. 28-30; 'Hitler's Professors, Arafat's Professors', *Judaism*, Vol. 52 (2003), pp. 95-102.
- 30- See, inter alia, Alan Dershowitz, *The Case for Israel*, Hoboken, NJ, 2003; Josef Joffe, 'A World without Israel', *Foreign Policy*, Vol. 146 (2005), pp. 36-42.
- 31- Robert Fisk, 'Telling It Like it Isn't', *Los Angeles Times*, 27 December 2005. For a more balanced report on this issue, which also demonstrates the differences between British biased reporters and American reporters, see: Greg Myre, 'In the Middle East, Even Words Go to War', 3 August 2003, www.cnn.com; Jonathon Mark, 'No Lull in War of Words', *New York Jewish Week*, 18 March 2005.
- 32- Thomas Friedman, 'Arafat's War', *New York Times*, 13 October 2000.
- 33- Tom Gross, 'The BBC Discovers "Terrorism", Briefly', *Jerusalem Post*, 12 July 2005.
- 34- Cited in Pickett, 'Nasty or Nazi? The Use of Anti-Semitic Topoi' p. 4.

- 35- Howard Jacobson, 'Wordsmiths and Atrocities against Language: The Incendiary Use of the Holocaust and Nazism against Jews', in P. Igansky and B. Kosmin (eds.), *A New Antisemitism? Debating Judeophobia in the 21st Century*, London, 2003, pp. 1–2, available at axt.org.uk.
- 36- Emanuele Ottolenghi, 'Antisemitism and the Media in Italy', in *Antisemitism and Xenophobia Today*, London, Institute for Jewish Policy Research, www.axt.org.uk, 16 November 2005. p. 3.
- 37- Jacobson, 'Wordsmiths and Atrocities against Language', pp. 2–3.
- 38- Department of State, 'Resolutions Related to Israel Opposed by the United States', pp. 259–277, www.state.gov/documents/organization/44507.pdf.
- 39- Mitchell Bard, 'The UN and Israel', www.jewishvirtuallibrary.org/jsourc/UN/israel_un.html.
- 40- 'US Vetoes of UN Resolutions Critical of Israel, 1972–2004', Jewish Virtual Library, www.jewishvirtuallibrary.org/jsourc/UN/usvetoes.html.
- 41- Robert Jennings, 'The Exclusion of Israel from the UN Regional Group System', 4 November 1999, www.jewishvirtuallibrary.org/jsourc/UN/Jennings.html. See also Anne Bayefsky, 'Israel: Second-Class Status at the UN', *National Post*, 18 February 2003.
- 42- See *The American Journal of International Law*, Vol. 98 (2004), pp. 361–364 and Vol. 99 (2005).
- 43- Joel S. Tashjian, 'Contentious Matters and the Advisory Power: The ICJ and Israel's Wall', *Chicago Journal of International Law*, Vol. 6 (2005), pp. 427–437.
- 44- Yitzhak Benhorin, 'Israeli Gets Top U.N. Post', *Ynetnews.com*, 13 June 2005, www.ynetnews.com.



45- Daniel Okrent, 'The Hottest Button: How the Times Covers Israel and Palestine', New York Times, 24 April 2005.

46- Stephanie Gutmann, The Other War: Israelis, Palestinians and the Struggle for Media Supremacy, San Francisco, 2005, pp. 39–83; Nidra Poller, 'Myth, Fact and the al-Dura Affair', Commentary, Vol. 120 (2005), pp. 23–30; James Fallows, 'Who Shot Mohammed al-Dura?', The Atlantic Monthly, No. 291 (2003), pp. 49–56; Esther Schapira, Three Bullets and;

a Dead Child: Who Shot Mohammad al-Dura? Documentary, ARD Television, Germany, 2002; Richard Landes, al Durah: What Happened? Documentary, Second Draft, 2005, www.seconddraft.org/aldurah.php.

PUBLIC DIPLOMACY AND ISRAEL'S FOREIGN POLICY 745

47- See, for example, Human Rights Watch Report, 'Jenin: IDF Military Operations',

www.hrw.org.

48- Gutmann, The Other War, pp. 145–178; Sharon Sadeh, 'How Jenin Battle Became a "Massacre"', Guardian, 6 May 2002.

49- Hersh Goodman and Jonathan Cummings (eds.), The Battle of Jenin: A Case Study in Israel's Communication Strategy, Tel Aviv, The Jaffe Centre for Strategic Studies, Memorandum, No.63 (2003).

50- Phil Reeves, 'Even Journalists Are Wrong Sometimes', The Independent, 3 August 2002.

51- Cle'ment Weill Raynal, 'L'Agence France Presse: Le Re'cit Contre Les Faits', Observatoire du Monde Juif, No. 2, March 2002.

52- De'cryptage, directed by Jacques Tarnero and Philippe Bensoussan, 2002.

53- The Glasgow media group suggested that television coverage in the United States, Britain and Germany is tilted toward Israel primarily because the public is ignorant of Middle East history and the networks do



not provide adequate context. Greg Philo and Mike Berry, *Bad News from Israel*, London, 2004. The problem with this study is that it relies on questionable, anti-Israeli sources, which offer an inaccurate history of the Arab-Israeli conflict. For criticism of these sources, see Efraim Karsh, *Fabricating Israeli History: The New Historians*, London, 2000.

54- Tom Gross, 'New Prejudices for Old: The Euro Press and the Intifada', *National Review*, 1 November 2001.

55- Trevor Asserson and Elisheva Mironi, *The BBC and the Middle East: A Critical Study*, March 2002; Trevor Asserson, *The BBC and the Middle East: An Analysis*, December 2002; Trevor Asserson and Lee Kern, *The BBC and the War on Iraq: An Analysis*, June 2003, <http://bbcwatch.com>.

56- Trevor Asserson and Cassie Williams, *The BBC and the Middle East: The Documentary Campaign, 2000-2004*, July 2004, <http://bcwatch.com>.

57- Douglas Davis, 'Hatred in the Air: The BBC, Israel and Antisemitism', in P. Igansky and B. Kosmin (eds.), *A New Antisemitism? Debating Judeophobia in the 21st Century*, London, 2003, pp. 130-147, available at <http://axt.org.uk>.

58- Barbie Zelizer, David Park and David Gudelunas, 'How Bias Shapes the News: Challenging

The New York Times' Status as a Newspaper of Record on the Middle East', *Journalism*, Vol. 3 (2002), pp. 283-307.

59- Joshua Muravchik, *Covering the Intifada: How the Media Reported the Palestinian Uprising*, Washington, 2003.

60- Gutmann, *The Other War*, p. 8.

61- Michael Goldfarb, 'All Journalism is Local: Reporting on the Middle East', *Harvard International Journal of Press/Politics*, Vol. 6 (2001), pp. 110-115; Marda Dunskey, 'Missing:

The Bias Impact Implicit in the Absent', *Arab Studies Quarterly*, Vol. 23 (2001), pp. 1-23.



- 62- Alain Hertoghe, *La Guerre a Outrances: Comment La Presses Nous a Deinformes Sure L'Iraq*, Paris, 2003.
- 63- Dov Aharoni, *General Sharon's War Against Time Magazine: His Trial and Vindication*, New York, 1985.
- 64- Ze'ev Chafets, *Double Vision: How America's Press Distorts Our View of the Middle East*, New York, 1985.
- 65- Thomas Friedman, *From Beirut to Jerusalem*, New York, pp. 72-73.
- 66- Tom Gross, 'A Mild Sign of Hope in the Media?', *Jerusalem Post*, 20 October 2004.
- 67- Tom Gross, 'J'accuse: Antisemitism in *Le Monde* and Beyond', *Wall Street Journal*, 2 June 2005.
- 68- Jim Lederman, *Battle Lines: The American Media and the Intifada*, New York, 1992; Gutmann, *The Other War*, pp. 259-271.
- 69- For a critical analysis of 'journalism of attachment', see Eytan Gilboa, 'Media and International Conflict', in J. Oetzel and S. Ting-Toomey (eds.), *The SAGE Handbook of Conflict Communication*, Thousand Oaks, CA, 2006, pp. 595-626.
- 70- Fiamma Nirenstein, 'The Journalists and the Palestinians', *Commentary*, Vol. 111, No. 1 (2001), pp. 55-58.
- 71- Ehud Ya'ari estimates that over 95 percent of television footage of events in the Palestinian territories supplied to networks around the world is produced by Palestinian film crews.
- 'Palestinian "Hasbara"', *Jerusalem Report*, 7 May 2001. The foreign press in Israel also 746 ISRAEL AFFAIRS employs Palestinian translators and guides, who also 'fix' the news, see Gutmann, *The Other War*, pp. 207-214.
- 72- European Commission, Brussels, *Eurobarometer 151: Iraq and Peace in the World*, 2003.

- 73- Thomas Fuller, 'EU Leader Attacks Poll Calling Israel a Threat', International Herald Tribune, 4 November 2003; Dalia Dassa Kaye, 'Is Israel Really the Biggest Threat to Peace?', International Herald Tribune, 8-9 November 2003.
- 74- David Lexner, 'The Media Dimension of Israeli Public Diplomacy in Scandinavia', MATHesis, Bar Ilan University, Ramat-Gan, pp. 27, 34.
- 75- Cited and analyzed in Ottolenghi, 'Antisemitism and the Media in Italy', p.3.
- 76- Uri Savir, who was the Director General of the Israeli Foreign Ministry under Peres, made a similar statement. Jerusalem Post, 2 April 2001. Hersh Goodman, a former military correspondent, expressed the same view in 'It's the Policy Stupid', bitterlemons.org, No. 42, 17 November 2003, pp. 5-6.
- 77- Greer Fay Cashman, 'PR Chief: Don't Use the Word Hasbara', Jerusalem Post, 22 January 2004.
- 78- Gideon Meir, 'What Hasbara is All About', Jerusalem Post, 24 May 2005.
- 79- Bret Stephens, 'What's Wrong with Israel's Hasbara?', Jerusalem Post, 7 June 2002.
- 80- Zvi Mazel, 'The Old Diplomacy is Dead', Jerusalem Post, 26 August 2005.
- 81- Dan Diker, 'Why Are Israel's Public Relations so Poor?', Jerusalem Letter/Viewpoints, No. 487, October-November 2002, Jerusalem Centre for Public Affairs.
- 82- Stephens, 'What's Wrong with Israel's Hasbara?'.
- 83- Hilary Krieger, 'Expert: Israeli PR Improving, But . . .', Jerusalem Post, 16 December 2004.
- 84- Office of the Israeli State Comptroller, 'State Comptroller Annual Report', No. 53A, The Hasbara System, Jerusalem, 7 October 2002, pp. 9-23 (Hebrew).

- 85- Dan Izenberg and Herb Keinon, 'Cabinet to Mull Legal Aid for Israelis Accused of War Crimes', Jerusalem Post, 23 September 2005.
- 86- Herb Keinon, 'Israeli Ambassador Wrecks Swedish Pro-Terror Exhibit', Jerusalem Post, 18 January 2004.
- 87- Robert Fulford, 'The Socialism of Fools', National Post, 22 October 2005.
- 88- Stephens, 'What's Wrong with Israel's Hasbara?'.
- 89- Max Singer, 'How to Talk about Gaza', Jerusalem Post, 6 September 2005.
- 90- Nachman Shai, 'PR Isn't the Problem', Jerusalem Post, 31 May 2004.
- 91- CAMERA, www.camera.org. Honest Reporting, www.honestreporting.com.
- 92- Palestinian Media Watch, www.pmw.org.il; Middle East Media Research Institute, www.memri.org.
- 93- Manfred Gerstenfeld and Ben Green, 'Watching the Pro-Israeli Media Watchers', Jewish Political Science Review, Vol. 16 (2004), pp. 1-27 (Internet edition), www.jcpa.org; Mitchell G. Bard, 'The Media's Anti-Israel Bias', frontpagemagazine.com, 18 March 2005.
- 94- CAMERA, 'A Record of Bias: National Public Radio's Coverage of the Arab-Israeli Conflict, September 26-November 26, 2000', 27 March 2001, www.camera.org.
- 95- NGO Monitor, www.ngo-monitor.org.
- 96- Haim Handwerker, 'It Isn't Enough to Defend Your Position in the US, Says the Marketers', Ha'aretz, 22 December 2005; Gary Rosenblatt, 'Marketing a New Image', New York Jewish Week, 21 January 2005.
- 97- Steve Lipman, 'A Bounce for Israel PR', New York Jewish Week, 12 November 2002.
- 98- Larry Weinberg, 'Transforming Israel's Image: Two Paradigms: Changing the Topic from Conflict to Contribution', Jewish News, 14 July 2005.
- 99- Nathaniel Popper, 'PR Group Clashes with Jerusalem on Image of Israel', Forward, 12 November 2004